

The Educational Theory of Islamic Civilization with Emphasis on the View of the Supreme Leader of the Supreme Being

ARTICLE INFO

Article Type
Research Article

Authors

Abbas Bahramipour¹,
Mohsen Farmahini Farahani^{2*}
Mehdi Sobhaninejad³

How to cite this article

Abbas Bahramipour, Mohsen Farmahini Farahani, Mehdi Sobhaninejad, The Educational Theory of Islamic Civilization with Emphasis on the View of the Supreme Leader of the Supreme Being, *Journal of Islamic Life Style Centeredon Health*, 2020;4(3):258-280.

1. PhD Student, Department of Philosophy of Islamic Education, Shahed University, Tehran, Iran.

2. Associate Professor, Department of Philosophy of Islamic Education, Shahed University, Tehran, Iran (Corresponding Author).

3. Associate Professor, PhD in Curriculum Planning, Shahed University, Tehran, Iran.

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: farmahinifar@yahoo.com

Article History

Received: 2020/09/28

Accepted: 2020/12/03

ABSTRACT

Purpose: To focus on the issues of civilization and move towards a new Islamic civilization, because the condition for the survival of the Islamic Revolution and, consequently, the protection of Islamic culture in the process of civilization, is important. In the present article, the focus is on explaining the theoretical foundations for the educational theory of Islamic civilization by emphasizing the view of the Supreme Leader. Undoubtedly, many factors are influential in the formation and expansion of modern Islamic civilization, but the researcher in this study seeks to answer the question of what theoretical foundations for the educational theory of Islamic civilization by emphasizing the views of the Supreme Leader?

Materials and Methods: The method used in this research is descriptive-analytical and based on data collection has been done by library method, so that the necessary data are extracted from written and electronic sources and then explained. The research that is done on history and civilization is a descriptive-qualitative research. In the present study, the method of data description and historical analysis has been used using sources and documentary methods and referring to the library and the Internet. Statistical analysis is not usually used in historical research. For this reason, in the present study, the most common method in historical research, namely content analysis, has been used.

Findings: In the present study, by analyzing the orders of the Supreme Leader (Modzaleh Al-Aali), we can count the components for the new Islamic civilization and better understand it. The most important of these components are: spirituality, scientism, ethics, rationality, justice, unity, progress, continuous struggle and the dynamism of culture.

Conclusion: The results of the study indicate that by examining the ideas of the Supreme Leader from an educational perspective, he considers two dimensions for the new Islamic civilization: one dimension of power and advanced systems with the aim of efficient use of resources, and the other dimension of spirituality that can be Equated to the effectiveness of achieving the goal; Because we strongly believe that in various endeavors, the ultimate goal should be to gain God's approval.

Keywords: Islamic Civilization Educational Theory, Modern Islamic Civilization, Supreme Leader's Viewpoint, Educational System

نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه

مقام معظم رهبری
مد ظله العالی

را معادل اثربخشی رسیدن به هدف دانست؛ چرا که ما قویاً معتقد هستیم در کارهای مختلف، هدف نهایی باید کسب رضای خداوند باشد.

کلیدواژه‌ها: نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی، تمدن نوین اسلامی، دیدگاه مقام معظم رهبری، نظام تربیتی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۷

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۳

*نویسنده مسئول: farmahinifan@yahoo.com

عباس بهرامی پور^۱

دانشجوی دکتری، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شاهد تهران، ایران.

محسن فرمهبینی فراهانی^{۲*}

دانشیار، گروه فلسفه تعلیم و تربیت اسلامی، دانشگاه شاهد تهران، ایران (نویسنده مسئول).

مهدی سبحانی نژاد^۳

دانشیار، گروه دکتری برنامه ریزی درسی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

چکیده

هدف: تمرکز و پرداختن به مباحث تمدن‌سازی و حرکت در جهت تمدن نوین اسلامی، از آن جهت که شرط بقاء انقلاب اسلامی و به تبع آن محافظت و صیانت از فرهنگ اسلامی در فرآیند تمدن‌سازی است، حائز اهمیت است. در مقاله‌ی حاضر، تمرکز بر تبیین مبانی نظری برای نظریه تربیتی تمدن‌سازی اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری است. بی‌شک عوامل متعددی در شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار هستند، اما محقق در این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه مبانی نظری برای نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان ارائه کرد؟

مواد و روش‌ها: روش مورد استفاده در این تحقیق توصیفی-تحلیلی بوده و بر اساس گردآوری داده‌ها به روش کتابخانه‌ای انجام شده است. بدین صورت که داده‌های لازم از منابع نوشتاری و الکترونیکی استخراج و سپس تبیین شده‌اند. پژوهش‌هایی که درباره تاریخ و تمدن انجام می‌شود، از نوع پژوهش‌های توصیفی - کیفی است. در پژوهش حاضر از روش توصیف داده‌ها و تحلیل تاریخی با استفاده از منابع و روش اسنادی و مراجعه به کتابخانه و اینترنت استفاده شده است. در پژوهش‌های تاریخی معمولاً از تجزیه و تحلیل آماری استفاده نمی‌شود. به همین دلیل در بررسی حاضر بیشتر از روش معمول و رایج در پژوهش‌های تاریخی یعنی تحلیل محتوا استفاده شده است.

یافته‌ها: در پژوهش حاضر با تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، می‌توان مؤلفه‌هایی را برای تمدن‌سازی نوین اسلامی احصا نمود و آن را بهتر شناخت. اهم این مؤلفه‌ها عبارتند از: معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ.

نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش حاکی از آن است که با بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری از دیدگاه تربیتی، ایشان دو بعد برای تمدن نوین اسلامی قائل هستند: یکی بعد قدرت و نظامات پیشرفته با هدف کارایی استفاده بهینه از منابع، و بعد دیگر معنویت که می‌توان آن

مقدمه

تمدن عمدتاً به شیوه‌ای از زندگی اشاره دارد که با نظامی ویژه برای تولید ثروت همراه است و هیچ واژه دیگری این همه موضوعات مختلف مانند تکنولوژی، زندگی خانوادگی، مذهب، فرهنگ، سیاست، تجارت سلسله مراتب، رهبری، ارزش‌ها، اخلاق جنسی و معرفت‌شناسی را به شایستگی در بر نمی‌گیرد و تغییر در مجموعه این پدیده‌ها موجب به وجود آمدن تمدن جدید خواهد شد.

تمدن اسلامی بیان‌کننده‌ی همه‌ی جوانب فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه است که ابعاد وجودی فرد و جامعه را در بر می‌گیرد. تمدن اسلامی، یک تمدن دینی است که همه‌ی مؤلفه‌های آن بر محور اسلام تبیین می‌گردد. جامعه‌ای که با تشکیل حکومت و حاکمیت نظام دار شده و مناصب حکومتی تشکیل داده است تا بر رعایت نظم نظارت کند و از مدل‌های زندگی فردی به حالت‌های زندگی شهری روی آورده و در این مقطع به رشد و تعالی فضایل و ملکات انسانی، چون علم، هنر و ... پرداخته است، چنین جامعه‌ای حائز مدنیت است (۱) بنابراین در تمدن هم باید سطوح مادی و ابعاد عینی آن را مورد نظر قرار داد و هم به عناصر ذهنی و فرهنگی آن توجه نمود که بر اساس نگرش‌های مختلف به انسان و جامعه، متفاوت خواهند بود. این اخلاف و تفاوت مانع آن نمی‌شود که صورت غایی تمدن‌ها دارای عناصر مشترک باشد.

ماهیت تمدن اسلام از نوع گرفتن و یا افزایش مرزها نیست، تمدن اسلامی، کشورگشایی نیست؛ بلکه به معنای تأثیر پذیرفتن فکری ملت‌ها از اسلام است (۲). اسلام همانند عطری است که فطرت پاک انسان‌ها را نوازش می‌دهد و پیروز واقعی کسانی هستند که عطرآشنایی می‌کنند. ملت ایران - همچنان که شان اوست - در حال پدید آوردن یک تمدن است و هدف انقلاب اسلامی این است که به تمدن اسلامی نزدیک شود. (۳).

یکی از جریان‌های تأثیرگذار در اسلام "تمدن‌گرایی" است که با نگاهی نقادانه به غرب و نیز با نگاهی آینده‌گرا، تحقق چشم‌انداز تمدن نوین اسلامی را برای جهان اسلام ترسیم می‌کند. تمدن‌گرایان به دنبال بازگشت به تمدن اسلامی نیستند؛ بلکه دنبال ایجاد تمدن نوین متناسب با ارزش‌های اسلامی و مقتضیات زمانه و پیشرفت‌های بشری در آینده هستند (۴).

آنچه تمدن نوین اسلامی را از تمدن غرب متمایز می‌کند، مبانی هستی‌شناسی، جهان‌بینی و انسان‌شناسی است که در سبک زندگی، شیوه استفاده از منابع و ظرفیت‌های خدادادی و ارزش‌گذاری بر بعد

ساخت شخصیت انسانها تأثیر میگذارد، هم در ساخت جامعه و قواره‌ی عمومی جامعه اثر می‌گذارد، و هم در عمل شخصی امتداد دارد، هم در شکل اجتماعی. علم با گستره‌ی بی‌انتهای آن (هم علم الهی، هم علم طبیعی به آن معنا که غربی‌ها هنرشان را در آن نشان دادند، یعنی تسخیر طبیعت و تسلط بر طبیعت و مانند این‌ها) جزو چیزهایی است که در اسلام ممدوح است. بعد انسان عروج میکند از این مرحله به مراحل بالاتر؛ علم به هویت انسان، علم به عالم ملکوت و علوم الهی برتر از این حرف‌ها. این علم شامل همه‌ی این مسائل است. عدل هم به معنای وسیع عدل؛ هم عدالت اقتصادی، هم عدالت قضائی، هم عدالت اجتماعی، یعنی عدالت به معنای واقعی کلمه. این، آن چیزی است که امام به ما یاد داده (بیانات در ارتباط تصویری با هیات دولت، ۱۳۹۹/۰۶/۰۲).

در نتیجه تمرکز و پرداختن به مباحث تمدن‌سازی و حرکت در جهت تمدن نوین اسلامی، از آن جهت که شرط بقاء انقلاب اسلامی و به تبع آن محافظت و صیانت از فرهنگ اسلامی در فرآیند تمدن‌سازی است، حائز اهمیت خواهد بود. چرا که در فرهنگ‌های غالب، فرهنگی که نتواند امتداد تمدنی برای خودش ایجاد نماید، جهانی نشده و اگر نتواند الگوی تمدن‌سازی اسلامی را ترسیم نماید، در موازنه تقابل با دنیای غرب در بلند مدت شکست خورده و عدم درک بنیان‌های نظری تمدن‌سازی اسلامی سبب از بین رفتن رویکرد تمدنی جوامع اسلامی و چیره شدن تمدن غرب بر ملت‌های مسلمان خواهد شد. بنابراین با توجه به ابتناء تمدن اسلامی بر وحی و آموزه‌های الهی و وجود ظرفیت‌های بی‌نظیر اسلامی برای تمدن‌سازی، لازم است با تبیین علمی و گفتمان سازی تمدنی، زمینه‌های لازم جهت نیل به تمدن نوین اسلامی را فراهم آورد.

آیت‌الله خامنه‌ای جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی را یکی از عناصر لازم برای انقلاب اسلامی و حرکت انقلابی مردم می‌داند. "این حرکت باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد؛ یک جهت‌گیری منطقی و قابل قبول، که در حرکت عمومی ملت ایران که ما داریم پیشنهاد می‌کنیم و مطرح می‌کنیم، این جهت‌گیری، جهت‌گیری به سمت جامعه‌ی اسلامی یا تمدن اسلامی است؛ یعنی می‌خواهیم برویم به سمت تشکیل یک جامعه‌ی اسلامی؛ و حرکت عمومی، ما را باید به اینجا و در نهایت به یک تمدن پیشرفته‌ی اسلامی برساند" (۱۳۹۸/۰۳/۰۱). رهبر معظم انقلاب در نهایت راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی را تربیت نسلی شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیش‌گام، خودباور و غیور می‌داند (بیانات در دیدار نخبگان، ۹۵/۷/۲۸).

البته پژوهش‌های متعددی در زمینه تمدن نوین اسلامی نگارش شده است که هر یک به ابعاد مختلفی از تمدن نوین اسلامی اشاره کرده‌اند؛ اما به موضوع تحقیق حاضر نپرداخته‌اند؛ به عنوان مثال دیبایی صابر (۵)، در مقاله‌ای به تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی مورد نظر مقام معظم رهبری و تحلیل جایگاه آن در اسناد بالادستی آموزش و پرورش ایران، پرداخته است. همچنین فرمهبینی فراهانی، در مقاله‌ای به بررسی این سؤال اساسی پرداخته است که چه اقتضائات و الزامات ابزاری (سخت افزاری) و چه اقتضائات و

حیوانی انسان، نمود و تجلی پیدا می‌کند. بحث تمدن نوین اسلامی با اعلام بیانیه مهم گام دوم انقلاب رهبر انقلاب، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرد (۵). رهبر انقلاب در بیانیه مهم گام دوم انقلاب، به ورود انقلاب اسلامی ایران به دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی اشاره و بر لزوم نزدیک کردن انقلاب به آرمان بزرگش یعنی ایجاد تمدن نوین اسلامی تأکید می‌کند (۶).

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در این خصوص می‌فرماید: ما می‌توانیم تمدن نوین اسلامی را برپا کنیم و دنیایی بسازیم که سرشار باشد از معنویت و با کمک معنویت و هدایت معنویت راه برود (۲). از منظر ایشان تمدن نوین اسلامی ارتباط تنگاتنگی با زندگی انسانی دارد که البته در این مورد ایشان از تعبیر "زندگی خوب و عزتمند" استفاده می‌کنند و "نظام تعلیم و تربیت" را در شکل‌گیری این زندگی و تمدن نوین اسلامی بسیار موثر می‌دانند. ایشان می‌فرمایند: بهره‌مند شدن انسان‌ها از تمام ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خدای متعال برای تأمین سعادت و کمال آن‌ها، در عالم طبیعت و در وجود آنها قرار داده است. آیت‌الله خامنه‌ای از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری، به عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند (۶).

تعالیم اسلامی همواره دو هدف اساسی را پی‌گیری می‌کند، هدف اول انسان‌سازی و هدف دوم تمدن‌سازی است که آن هم فضای رشد و تعالی انسان کامل را تأمین می‌کند. مهم‌ترین هدفی که حکومت اسلامی به همراه دارد، دو چیز است: اول انسان‌ها را به سوی خلیفه‌الله شدن راهنمایی و مقدمات سیر و سلوک آن را فراهم کردن، دوم کشور اسلامی را مدینه فاضله ساختن (۷).

تمدن عظیم اسلام پس از قرن‌ها درخشش و الهام بخشی به سایر تمدن‌ها و ملل جهان، دچار افول و رکود شد. اما در عصر حاضر، با شکل‌گیری انقلاب اسلامی، با رویکردی دینی و با آرمان سعادت حقیقی بشر، مجدداً حرکتی آغاز شد که در نگاهی کلان، می‌توان آن را ادامه‌ی بعثت پیامبر اکرم (ص) و حرکتی تاریخی در مسیر احیای تمدن عظیم اسلامی در نظر گرفت.

زندگی انسان در عصر حاضر، رویه جهانی و تمدنی به خود گرفته و چون مکتب اسلام یک دین آسمانی با آموزه‌های جهان شمول و با ظرفیت تمدن‌سازی در ابعاد جهانی است، با توجه به آن، تمدن اسلامی یک ساختار برای زندگی فردی و اجتماعی ارائه می‌کند که برای به ثمر نشستن آن، نیاز به دانش تمدنی داریم و یکی از الزامات آن، تبیین دقیق مؤلفه‌های تمدن‌سازی اسلامی به ویژه در بُعد تربیتی خواهد بود. در این راستا لازمه گسترش و قوام یک فرهنگ، جهانی شدن آن است و اگر فرهنگی به سمت تمدن‌سازی حرکت نکند، قابلیت جامعه‌سازی خود را از دست داده و به لایه‌های درونی و فردی فرو کاسته خواهد شد. الگوی اسلامی برای نظام‌سازی و جامعه‌سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل؛ این سه عنصر اصلی است. ایمان به معنای ایمان توحیدی خالص که این ایمان توحیدی خالص، هم در

و در نهایت با استفاده از اصول و قواعد علمی مسلم با رویکرد علوم دینی و سیاسی، توصیف و بدون هرگونه دخالت گرایش‌های فکری، نتایج عینی استخراج شده‌اند. همچنین در پژوهش حاضر، از آنجایی که برای گردآوری ادبیات موضوع از روش مطالعه کتابخانه‌ای استفاده شده است؛ بنابراین جامعه آماری وجود ندارد و با توجه به اینکه جامعه آماری وجود ندارد؛ بنابراین نمونه‌گیری نیز صورت نمی‌گیرد.

ملاحظات اخلاقی

در تدوین این پژوهش، اصل امانتداری و صداقت در استناد به متون مورد استفاده، اصالت منابع و پرهیز از جانبداری در مراجعه به متون یا تحلیل‌ها، رعایت شده است.

پیشینه پژوهشی

پیشینه داخلی:

پناهی (۱۳۹۶) در مقاله‌ای، به "بررسی مفهوم تمدن اسلامی و شاخصه‌های آن" پرداخته است. مقاله مذکور با یادآوری اهمیت موضوع شکل‌گیری تمدن تازه در دنیای اسلام، ضمن ارائه مفهومی روشن از تمدن نوین اسلامی، به بیان مولفه‌ها و شاخصه‌های آن می‌پردازد. سوالات اصلی که در این مقاله به آن‌ها پرداخته می‌شود، عبارتند از: چیستی تمدن، مفهوم شناسی تمدن اسلامی و مولفه‌های آن، تبیین نسبت تمدن اسلامی و تمدن نوین، و در نهایت تبیین مولفه‌های اصلی تمدن نوین اسلامی. در نوشتار حاضر، چند مطلب به عنوان پیش فرض در نظر گرفته شده است: جامع بودن اسلام، امکان استفاده از مبانی اسلامی در تمدن‌سازی و در نظر گرفتن تفاوت مبانی تمدن اسلامی در برخی موارد با تمدنی که مسلمانان در طول تاریخ بر طبق آن عمل کرده‌اند. در نهایت باید گفت مفهومی که می‌تواند اهداف نظام اسلامی را در بحث تمدن‌سازی، تا حدود زیادی در خود جمع کند و نشان دهنده راه باشد، مفهوم پیشرفت است. زیرا میزان و نحوه پیشرفت، به میزان زیادی تبیین‌کننده مسیر حرکت در این زمینه خواهد بود. با توجه به اینکه تمدن اسلامی بخشی از واقعیتی است که سازنده زندگی امروز ما می‌باشد از اینرو برای بررسی دقیق و علمی مولفه‌ها و شاخصه‌های آن باید به منابع معتبر عقلی و نقلی معتبر مراجعه نمود.

ابراهیمی ارمی در پایان نامه اش، به "بررسی دیدگاه‌های رایج متفکران معاصر ایرانی درباره پیدایش و گسترش تمدن اسلامی" پرداخته است. در این پژوهش اندیشه‌های دکتر عبدالحسین زرین کوب، دکتر علی شریعتی و سید حسین نصر تحت دو عنوان کلی عوامل پیدایش تمدن اسلامی و همچنین عوامل گسترش تمدن اسلامی مورد بررسی و تحلیل واقع شده است. دین مبین اسلام به عنوان اصلی ترین عامل در پیدایش و گسترش تمدن اسلامی و عوامل علم و دانش، ایرانیان و تمدن‌های پیشین در گسترش تمدن اسلامی از موارد متشابه میان این سه اندیشمند هستند. همچنین می‌توان به بیان تفاوت‌های بارز اندیشه‌های این سه متفکر درباره عوامل موثر در پیدایش و گسترش تمدن اسلامی اشاره کرد که به عنوان مهم‌ترین دیدگاه خاص آنان قابل طرح و بررسی است. زرین کوب بر عامل تساهل و تسامح، شریعتی بر عامل ایدئولوژی و خودآگاهی و سید حسین نصر بر عامل

الزامات اصلی و حقیقی (نرم افزاری) برای رسیدن به تمدن نوین اسلامی ضروری است. در مقاله‌ی حاضر اما، تمرکز بر تبیین مبانی نظری برای نظریه تربیتی تمدن‌سازی اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری است. بی شک عوامل متعددی در شکل‌گیری و گسترش تمدن نوین اسلامی تأثیرگذار هستند، اما محقق در این پژوهش در پی پاسخ به این سوال است که چه مبانی نظری برای نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان ارائه کرد؟

اهداف پژوهش

هدف اصلی:

تبیین مبانی نظری نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری

اهداف فرعی:

۱. تبیین چیستی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری
 ۲. تبیین چرایی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری
 ۳. تبیین چگونگی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری
- سؤال‌های پژوهش
- سؤال اصلی:
- چه مبانی نظری برای نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان ارائه کرد؟
- سؤال‌های فرعی:

۱. چیستی: با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری مولفه‌های نظریه تربیتی تمدن‌سازی اسلامی چیست؟
۲. چرایی: چه تبیینی از چرایی (ضرورت، اهداف، نتایج) نظریه تربیتی تمدن‌سازی اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری می‌توان ارائه داد؟
۳. چگونگی: چه تبیینی از چگونگی نظریه تربیتی تمدن‌سازی اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری ارائه می‌شود؟

مواد و روش‌ها

پژوهش حاضر از نظر هدف، از نوع تحقیقات نظری است و از نوع تحلیلی-توصیفی و تحلیل محتوا می‌باشد و از نظر چگونگی به دست آوردن داده‌های موردنیاز از نوع غیرآزمایشی می‌باشد. از آنجایی در این پژوهش استفاده از روش‌های میدانی و پیمایشی در عمل امکان‌پذیر نمی‌باشد. جهت گردآوری ادبیات موضوع از روش فیش‌برداری از کتب و مقالات و از اسناد و قوانین و تشکیلات مصوب استفاده شده است.

در این پژوهش با استفاده از نرم‌افزارهای موجود در حوزه مسائل تعلیم و تربیت اسلامی و رجوع به پایگاه‌های اطلاعاتی و مطالعات کتابخانه‌ای در دسترس، اطلاعات و مواد خام تحقیق گردآوری شده، یادداشت‌برداری و تنظیم مباحث صورت گرفته است. سپس بر اساس طرح عنوانی تحقیق و با رعایت نظم منطقی، تألیف انجام شده است

اجتماعی مطیعانه و مخلصانه، با نقش تحدیدی خود نسبت به اعمال و تعالی انگیزه‌های انسان‌های موحد در عرصه اجتماعی از حیات، کارکردی گسترده و اساسی در امر تمدن‌سازی داشته است، به گونه‌ای که بدون باور و اعتقاد به آن، تمدنی با ویژگی اسلامی، امکان تحقق ندارد.

محمدی پویا در پژوهشی با عنوان "گام‌های دستیابی به تمدن اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری" و با هدف تبیین تربیت زمینه ساز تمدن نوین اسلامی با تأکید بر اندیشه رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) نشان داد که از جمله مؤلفه‌های احصا شده ی تحقق تمدن نوین اسلامی از دیدگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) عبارتند از: معنویت، علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ. نتایج پژوهش نشان داد که تربیت مبتنی بر اسناد تحولی کشور، با اثرگذاری بر مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، زمینه را برای تحقق تمدن نوین اسلامی فراهم می‌سازد.

ادیب بهروز (۱۳۹۸) در پایان نامه اش، "نقش سیره علمی، سیاسی و مدیریتی پیامبر و اهل بیت (صلوات الله علیهم) در تمدن نوین اسلامی" را بررسی کرده است. پژوهش مورد اشاره، توصیفی - تحلیلی است و گردآوری داده‌ها بر اساس فرم‌های فیش‌برداری از منابع موجود و مرتبط انجام در ادامه با شیوه‌های کیفی، مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است. (روش) حاصل پژوهش آنکه تمدن نوین اسلامی بستر و امکانات آرامش (سکون قرآنی) و رشد و تعالی فرد فرد انسان‌های خویش را فراهم می‌نماید. در تمدن نوین اسلامی، ارکان تمدن (علم، سیاست و مدیریت) دارای مفهوم و شاخصه‌های منحصر به خود است. چنان که علم پیش نیاز رشد و تعالی آدمی و سرمنشأ آن، قرآن صامت و ناطق بوده و در مسیر قرب و مبتنی بر تقوا و دنیاگریزی است. سیاست ابزار برقراری عدالت است و اساس آن را مدارا و برپای داشتن مردم تشکیل می‌دهد. از این رو به لحاظ ماهیت ظلم‌ستیز خود پیوسته در رویارویی با کفر و نفاق قرار دارد. مبنای فعالیت سیاستمدار پیروی از دستورات الهی است و زندگی او به تمامی در خدمت امور مردم است و مدیریت می‌کوشد با به کارگیری و هدایت صحیح منابع، جامعه را به سوی اهداف الهی رهنمون شود. مدیریت دارای بایستگی‌ها، چستی در قبول و یا عدم پذیرش مسؤولیت است و در آن پیامدهای مدیریت ناشایستگان بیان شده و چگونگی مدیریت به دقت مورد توجه قرار گرفته است.

وجدانی در مقاله ای، "نسبت میان «فلسفه تعلیم و تربیت» با تمدن نوین اسلامی و تبیین فلسفه تربیتی مطلوب بر اساس دیدگاه مقام معظم رهبری" را مورد بررسی قرار داده است. ایجاد تمدن نوین اسلامی به عنوان آرمان نظام جمهوری اسلامی، در سال‌های اخیر، در محافل علمی جدی‌تر مورد توجه قرار گرفته است. ماهیت میان رشته‌ای «تمدن پژوهی» نیز ضرورت پرداختن به این مقوله را از ابعاد گوناگون، تأکید کرده است. مقام معظم رهبری، در راستای ایجاد تمدن نوین اسلامی بر مؤلفه «پرورش نیروی انسان کارآمد» تأکید نموده، نگاه اجتهادی و عالمانه به نظام تعلیم و تربیت رسمی و تدوین فلسفه تربیتی مناسب را توصیه نموده‌اند. هدف از انجام این پژوهش، اولاً، تبیین رابطه میان فلسفه تربیتی جامعه و تمدن‌سازی

علم و عالمان در گسترش تمدن اسلامی تأکیدی ویژه دارند. پژوهشگر در این پژوهش با بیان اندیشه‌های زرین کوب، شریعتی و نصر به این نتیجه رسید که گرچه پیدایش و گسترش تمدن اسلامی، حاصل عوامل گوناگونی بوده است و در این پژوهش مرور شده‌اند اما هنوز این مسئله جای بررسی‌های عمیق‌تر با روش‌های گوناگون فلسفی، تاریخی و دینی و... را دارد که انجام این امر مهم برای بحث و گفتگو درباره باز تعریف و نیز بازسازی تمدن نوین اسلامی متناسب با مقتضیات جهان معاصر ضروری است.

رجبی و میرزماحمدی در پژوهشی به بررسی "الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد در زمینه سازی تمدن نوین اسلامی" پرداخته‌اند. تحقق تمدن نوین اسلامی در عصر حاضر اهمیت ویژه‌ای پیدا کرده است و از ابعاد و زوایای مختلف بررسی گردیده است. در این مقاله هدف این است که از منظر تربیتی و با محوریت قراردادن مفهوم جهاد در قرآن چگونگی تحقق تمدن اسلامی بررسی شود و تربیت مبتنی بر جهاد به عنوان بایسته اساسی تحقق تمدن اسلامی مطرح گردد. برای رسیدن به این منظور با استفاده از روش تحلیل مفهومی، ابتدا مفاهیم مختلف و ابعاد متفاوت جهاد در آموزه‌های اسلامی با تأکید بر قرآن بررسی گردید و در پایان به استنتاج و تحلیل چگونگی تأثیر پذیری و تأثیرگذاری بین انسان و تمدن با محوریت جهاد پرداخته شد. جهاد، نوع مواجهه تمدن اسلامی با تمدن‌های رقیب را بر اساس چهار نوع رویارویی هجوم، دفاع، تقیه و هجرت مشخص می‌کند. اکنون در شرایطی که انقلاب اسلامی به وقوع پیوسته و مرحله نظام سازی انجام گرفته است، لازم است تمدن اسلامی در موقعیت فعال و هجومی قرار گیرد. موفقیت در این مواجهه تمدنی به چگونگی تربیت انسان تمدن‌ساز بستگی دارد. الگوی تربیتی مبتنی بر جهاد ظرفیت وسیعی دارد تا با تلفیق قلمروهای تربیت جهادی در عرصه فردی و اجتماعی به شکل‌گیری بینش، کنش و منش جهادی برای تحقق تمدن نوین اسلامی کمک کند.

پورعباس در رساله اش، "توحید اجتماعی و نقش آن در تمدن‌سازی نوین اسلامی" را مورد بررسی قرار داده است. او تلاش کرده است تا با روشی تحلیلی و انتقادی، ابتدا با نقد مهم‌ترین برداشت‌های ارائه شده از توحید اجتماعی، آن را ذیل توحید عبادی، به معنای یگانه‌پرستی در عرصه حیات و زندگی اجتماعی تفهیم نماید، ضمن به شمار آوردن یگانه‌پرستی در ارتباطات اجتماعی و تشکیل نهادها و سازمان‌های اجتماعی به عنوان دو شاخصه اصلی و بیان مراتب سه‌گانه: (۱) زیست اجتماعی مطیعانه، (۲) زیست اجتماعی مخلصانه و (۳) زیست اجتماعی عارفانه، فهم و برداشت گسترده و عمیق‌تری از توحید اجتماعی ارائه شود؛ در ادامه تلاش شده تا با تامل و دقت در گفتمان علمی نظریه‌پردازان تمدن و در پرتو دو سویه تمدنی خود یعنی تمدن نبوی (ص) و تمدن مهدوی (ع)، با جعل اصطلاحی جدید و تقسیم عناصر تمدن‌ساز، به عناصر ایجاد و وجودی، به دانش تمدنی خود غنای بیشتری بخشیده است؛ در جهت تبیین نقش و میزان تأثیرگذاری توحید اجتماعی در ساخت بنای تمدن نوین اسلامی، کارکردهای مختلف این جلوه از توحید را در ارتباط با هر کدام از عناصر تمدن‌ساز بطور جداگانه و کامل مورد بررسی قرار داده و نهایتاً، این نتیجه بدست می‌آید که توحید اجتماعی در قالب زیست

ایمان، ۳. خردورزی، ۴. علم، ۵. اخلاق، ۶. حکومت مردمی، ۷. ایجاد رفاه عمومی، ۸. استقرار عدالت، ۹. رسانه‌های مدرن، هنر و سینما، ۱۰. بهبود روابط بین الملل. وی سپس با بررسی شاخصه‌های دیپلماسی از نگاه مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) و ادغام این دو به بررسی جایگاه دیپلماسی عمومی در راستای تحقق تمدن نوین اسلامی می‌پردازد.

پیشینه خارجی:

مفهوم تمدن نوین اسلامی در ادبیات توسعه و دینی کشور نضج گرفته است و لذا بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در این خصوص به آثار داخلی بر می‌گردد و در خارج از کشور پژوهش قابل ذکری انجام نشده و معدود پژوهش‌های انجام شده در زمینه تمدن اسلامی است. ماجد عرسان کیلانی، پس از تطبیق دادن مفهوم همکاری علوم دینی و طبیعی و تأثیر آن بر رشد تمدن‌ها بر تمدن اسلامی و اروپایی، به نتایج زیر دست یافت:

اسلام کمک بزرگی به امت اسلامی کرد که شامل هدف‌های جهانی بود و انسانیت را گام به گام به پیش می‌برد. اسلام در ادامه از آنها خواست تا این اهداف را بپذیرند و جوع غیر مسلمان را نیز با آنها آشنا کنند. جامعه‌ی رو به توسعه‌ی اسلامی تلاش کرد اهدافی را که گردن نهاده است محقق کند. که باعث پیدایش علوم دینی و علوم زبانی و علوم دیگری که در این کار او را یاری می‌کرد، شد. جامعه اسلامی همچنین در پی وسایل لازم برای گسترش اهداف رسالت برآمد. که این کند و کاو به تلاش‌های گسترده برای دستیابی به تجربه‌های اسلامی در این زمینه انجامید که در نهایت باعث پیدایش علوم طبیعی شد. در سه قرن نخست تاریخ اسلام، علوم اهداف یعنی علوم دینی، با علوم وسایل یعنی علوم طبیعی همکاری نزدیکی داشتند. هر یک از دو گروه در رشد و تعالی دیگری موثر بود. این همکاری باعث پیدایش تمدن اسلامی شد.

از قرن دوم هجری نشانه‌های کژفهمی دینی در جامعه اسلامی پدیدار شد. که باعث شد جامعه از عرضه اهداف مرحله تمدنی باز بماند. در نتیجه وسایل بی هدف شد و بار دیگر راه برای پا به میدان نهادن منابع کهن اهداف باز شد. منظور از این منابع تعصبات قبیله‌ای عربی و فلسفه‌های یونانی و هندی و ایرانی است. بدنبال این دگرگونی‌ها اهدافی برای زندگی رقم خورد که بر محور منافع مادی و پیامدهای آنها بود و در نهایت اهداف جدید به دامان علوم وسایل درآویختند. در نتیجه این کژفهمی‌ها هر یک از دو گروه علوم دینی و علوم طبیعی دیگری را به فتنه و فسردگی متهم کرد. که این اختلاف و گسست در خود این علوم هم اثر نهاد که باعث فروکاهش سطح آنها شد. این فروکاهش و واپس گرایی بر امت اسلامی نیز تأثیر گذاشت. در نتیجه از حل مشکلات داخلی خود و پاسخ به نیازهای خود بازماند و در رویارویی با تهدیدهای خارجی هم فروماند و کار امت و تمدن اسلامی به انحطاط کشید.

اوبرین^۱ در مقاله‌ی خود به "بررسی تمدن اسلامی و مدرنیته غربی" پرداخته است. نویسنده در اثر مذکور رابطه اسلام با علوم و فنون غربی را بررسی کرده و واکنش‌های درونی تمدن اسلامی در مواجهه

نوین اسلامی و ثانیاً، تبیین فلسفه تربیتی مطلوب با رویکرد تمدنی (بر اساس دیدگاه‌های مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی)) است. روش پژوهش، توصیفی-تحلیلی-استنتاجی است. ابتدا از طریق توجیه نقش نظام تربیتی در تأمین سرمایه انسانی لازم برای تمدن‌سازی، پرورش خصوصیات معنوی-اخلاقی لازم، نهادینه کردن سبک زندگی اسلامی، آماده‌سازی برای ورود به آموزش عالی و تولید علم و فناوری و پرورش نسل‌های بعدی نخبگان فکری جامعه (برای تولید و ارتقای فکری) که برای تمدن‌سازی لازمند، رابطه میان فلسفه تربیتی و تمدن‌سازی توجیه شد. سپس مؤلفه‌های چهارگانه فلسفه تربیتی مطلوب در قالب: اقدامات زمینه‌ساز، اهداف تربیت، رویکرد تربیتی و ابعاد تربیت تبیین گردید. بر اساس یافته‌ها، در راستای هدف کلی تربیت (یعنی پرورش سرمایه انسانی تمدن اسلامی)، ده هدف واسطه‌ای در هشت بعد: معنوی، روانی-شخصیتی، اخلاقی، علمی، مدنی، فرهنگی-سیاسی، جسمی و حرفه‌ای-اقتصادی به دست آمد. در نهایت، رویکرد تربیتی مناسب، تحت عنوان «تربیت انسان مؤمن کارآمد» پیشنهاد گردید.

در مورد تمدن نوین اسلامی از منظر رهبری نیز می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

ابوطالبی در پژوهشی با عنوان "نقش علوم انسانی اسلامی در تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری" به این موضوع پرداخته است که از آن جا که رهبری، تمدن را بستر پیشرفت همه جانبه انسان می‌داند و پایه و بخش اصلی تمدن را تعالی معنوی و سبک زندگی اسلامی، و بخش ابزار تمدن را رشد مادی انسان یعنی علم، صنعت، اختراع، سیاست، اقتدار سیاسی، اقتصاد و نظامی می‌داند، سه محور را معرفی می‌کند و آنها را در تمدن‌سازی نوین اسلامی تأثیر گذار می‌داند. وی این سه محور را اینگونه معرفی می‌کند: ۱. بخش اصلی و نرفزاری تمدن یعنی سبک زندگی. ۲. بخش ابزاری و سخت افزاری تمدن یعنی علم، صنعت، اقتصاد و... ۳. پیشرفت همه جانبه مادی و معنوی.

صفرپور و همکاران در پژوهش خود با عنوان "تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی از نگاه مقام معظم رهبری" با بیان اینکه تمدن نوین اسلامی، موضوعی است که توسط رهبر معظم انقلاب اسلامی مطرح و به عنوان غایت انقلاب اسلامی ایران معرفی شده است، به تبیین عوامل ایجاد تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری می‌پردازد. وی این عوامل را در دو دسته عوامل باطنی (شامل: ایمان و مکتب، رهبری، شرایط و مقتضیات) و عوامل ظاهری (شامل: بستر اجتماعی، فرد، مدیریتی) به تفصیل شرح می‌دهد.

نعیم آبادی و پالیزپیشه نیز در پژوهشی با "عنوان جایگاه دیپلماسی عمومی در تحقق تمدن نوین اسلامی از منظر آیت‌الله خامنه‌ای"، پس از بیان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی از نگاه رهبری، به بررسی و بیان شاخصه‌های دیپلماسی از نگاه رهبری پرداخته و سپس نقش آن را در تحقق تمدن نوین اسلامی از نگاه معظم له مورد واکاوی قرار داده است. وی شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی را از منظر مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) اینگونه بیان می‌شمارد: ۱. محوریت قرآن، ۲.

^۱. Peter O'Brien

علی، تبیین کارکردی، تبیین دایره‌ای یا دورانی، تبیین تاریخی، تبیین عامیانه و تبیین سفسطه‌آمیز نیز سایر انواع تبیین هستند (۱۰).
تعلیم و تربیت:

تربیت عبارت است از فرایند تعاملی زمینه ساز تکوین و تعالی پیوسته هویت متریان، به صورتی یک پارچه و مبتنی بر نظام معیار اسلامی، به منظور هدایت ایشان در مسیر آماده شدن جهت تحقق آگاهانه و اختیاری مراتب حیات طیبه در همه ابعاد (۱۲).
واژه تربیت^۲ از ریشه «ربو» و از باب تفعیل آمده است؛ چرا که کلمه ناقص، هنگامی که به باب تفعیل برده می‌شود، مصدر آن‌ها بر وزن تفعله می‌شود. مانند: تریه، ترکیه، تحلیه و... (۱۳).

افلاطون (۳۴۶-۴۲۷ ق.م) در تعریف تربیت گفته است: تعلیم و تربیت عبارت است از کشف استعدادها و طبیعی و شکوفا ساختن آن‌ها. ارسطو (۳۲۲-۳۸۴ ق.م) نیز تربیت را مجموعه‌ای از اعمالی دانسته است که به وسیله خانواده یا دولت برای ایجاد فضایل اخلاقی و مدنی در افراد صورت می‌پذیرد دانسته است.

در میان اندیشمندان اسلامی که در قدیم می‌زیسته‌اند، برای تربیت نیز تعاریفی بیان شده است. فارابی (۲۶۰-۳۳۹ ه.ق) در تعریف تربیت بیان داشته است که: تعلیم و تربیت عبارت است از هدایت فرد به وسیله فیلسوف و حکیم برای عضویت در مدینه فاضله به منظور دستیابی به سعادت و کمال اول در این دنیا و کمال نهایی در آخرت. ابن سینا (۳۷۳ یا ۳۶۳-۴۲۸ ه.ق) تربیت را این‌گونه تعریف می‌کند: تعلیم و تربیت عبارت است از برنامه‌ریزی و فعالیت محاسبه شده در جهت رشد کودک، سلامت خانواده و تدبیر شئون اجتماعی برای وصول انسان به کمال دنیوی و سعادت جاویدان الهی.

تربیت از نگاه اندیشمندان اسلامی:

استاد مطهری (ره) تربیت را چنین تعریف می‌کند: تربیت یعنی پرورش دادن، یعنی استعدادهای درونی‌ای را که بالقوه در یک شیء موجود است به فعلیت درآوردن و پروردن و لهذا تربیت فقط در مورد جاندارها یعنی گیاه و حیوان و انسان صادق است و اگر این کلمه را در مورد غیرجاندار به کار ببریم مجازاً به کار برده‌ایم، نه این‌که به مفهوم واقعی، آن شیء را پرورش داده‌ایم (۱۴).

تربیت عبارت است از عملی که قوای جسمانی و روانی و عقلی انسان را شکوفا ساخته تا آن قوا با نظام و سازمان ویژه‌ای با استمداد از درون و متبری و به مدد کوشش‌های او به میزان توانایی و استعدادها خود رشد و پیشرفت نماید.

تربیت یعنی رفع موانع و ایجاد مقتضیات برای آن‌که استعدادها انسان در جهت کمال مطلق شکوفا شود. تربیت عبارتست از فرآیند اثرگذاری و اثرپذیری که میان مربی و متربی به منظور ایجاد صفتی یا تغییر و اصلاح در شخصیت متربی برقرار می‌شود (۱۵).

ه) استاد مصباح هم در مصاحبه‌ای که با موضوع تربیت دینی با ایشان شکل گرفته بود، تربیت را چنین تعریف کرده است: تربیت، فراهم کردن زمینه‌هایی است برای این‌که استعدادها و نیروهای یک

با تمدن غرب را تبیین کرده است. این واکنش‌ها عبارتند از: سنت‌گرایی، تجدد طلبی و واقع‌گرایی. نویسنده در ادامه از "بازاریابی و احیای دینی به به عنوان واکنش‌های تمدن اسلامی سخن گفته و با طرح دو ایده یا نظریه "گفت و گوی تمدن‌ها" و "برخورد تمدن‌ها"، رابطه تمدن اسلام و مدرنیسم را در قالب این دو تئوری تشریح می‌کند.

الخلف (۸) در مقاله‌ای "تمدن اسلامی عربی" را بررسی کرده است. در این مقاله نویسنده تلاش کرده است نقش اعراب را در اعتلای تمدن اسلامی برجسته نماید. نگارنده به نقد این دیدگاه می‌پردازد که ملت‌های غیر عرب بیشترین نقش را در شکل‌گیری و توسعه تمدن اسلامی داشته‌اند و نتیجه می‌گیرد که نباید رویکرد نژادی در این خصوص مد نظر قرار گیرد.

الخطیب (۹) در مقاله‌ای به "بررسی اساس و بنیان تمدن اسلامی" پرداخته است. از دیدگاه وی، خداوند ظهور اسلام را روشنایی برای تاریکی‌هایی که جهان در آن به وجود آمده، ساخته است. او انسان را در شبه جزیره عربستان مجدداً بازسازی کرده و پایه‌های تمدن جدید را قرار داده است. تمدن اسلامی بر اساس چندین پایه مهم تأسیس شده است و اثرگذاری دین بر تمدن در دو ساحت قابل تصور است: ساحت خرد که به ظواهر تمدن مانند بناها، آثار علمی و آداب و رسوم مربوط است و ساحت کلان که به بنیان اندیشه‌ای و روح حاکم بر تمدن مربوط می‌گردد. ساحت نخست، با مروری بر منابع مربوط، به آسانی قابل اثبات است و ساحت دوم در آثار نظریه پردازان تمدن، کم و بیش مورد توجه قرار گرفته است. در قلمرو اسلام نیز اثبات ساحت نخست به دلیل بدیهی بودن، از استدلال بی‌نیاز است. برای اثبات ساحت دوم می‌توان افزون بر تجربه تاریخی، به استدلال عقلی دست زد. اسلام، در دو مقیاس فردی و اجتماعی، برای بالابردن ضریب اثربخشی آموزه‌های خود و به عنوان گامی برای تکمیل این آموزه‌ها آن‌ها را به الگوهای آرمانی پیوند زده است.

مفاهیم پژوهش

تبیین^۱:

در آیه ۱۱۸ سوره آل عمران^۲ می‌خوانیم: "ما آیات [و راه‌های پیشگیری از شر آنها] را برای شما بیان کردیم اگر بیندیشید". واژه «تبیین» در بسیاری از آیات قرآن به معنای ظهور و انکشاف و وضوح آمده است؛ لذا «بیّنه» به چیزی گفته می‌شود که دلیل روشن و آشکاری است، خواه عقلی باشد یا محسوس. به همین دلیل به دو شاهد عادل که در امور قضایی شهادتشان مدرک است «بیّنه» اطلاق می‌شود. به معجزات انبیاء نیز «بیّنه» گفته شده است، و «بیان» به معنای پرده برداری از چیزی است، خواه به وسیله نطق بوده باشد یا نوشتن یا اشاره یا شاهد حال (۱۱). "تبیین" انواع مختلفی دارد که مهمترین آن‌ها تبیین قیاسی و تبیین استقرایی است. تبیین علمی، تبیین

^۱ Explanation

^۲ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ أَنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (آل عمران، ۱۱۸)

^۲ Education

موجود رشد کند تا بتواند از این نیروها برای رسیدن به کمال خودش بهره‌مند شود (۱۵).

برخی از همین متفکران با همین نوع نگاه، تربیت اسلامی را به شرح ذیل تعریف کرده‌اند:

- تربیت اسلامی یعنی پرورش همه جنبه‌های فکری و عاطفی و جسمی و اجتماعی شخصیت اسلامی و ساماندهی رفتارهای او بر اساس مبانی و دستورهای اسلامی برای تحقق هدف‌های اسلام در زمینه‌های گوناگون زندگی.

- تربیت اسلامی یعنی شناخت خدا به عنوان رب یگانه انسان و جهان برگزیدن او به عنوان رب خویش و تن دادن به ربوبیت او و تن زدن از ربوبیت غیر (۱۶).

- تربیت اسلامی عبارت است از شکوفایی استعدادهای خدادادی در هر انسان، به منظور ایجاد اعتدال در زندگی و با قصد رسیدن به اهداف و کمال مطلوب مورد نظر خداوندی تمدن‌سازی اسلامی:

همه‌ی فرهنگ‌های لغت جدید و قدیم زبان عربی برای واژه‌ی تمدن^۱ (حضارت) در یک معنا مشترک هستند. در این معنای تقریباً هماهنگ و مشترک، حضارت به معنی تمدن و شهرآئینی، مقابل بدات و به معنی بادیه نشینی است (فرهنگ لغت عربی، ص ۱۹). نویسنده معجم متن اللغة بیان می‌کند که معنای جدید حضاره برابر و معادل واژه‌ی (Civilisation) در زبان انگلیسی است و فرهنگستان مصر به زبان عربی، آن را پذیرفته است. او همچنین تأکید کرده است که تحضّر و تمدن برای معنایی معادل کلمه‌ی (Urbanisation) به معنی برنامه‌ریزی شهری به کار رفته است (فرهنگ لغت عربی، ص ۲۰)؛ تمدن یعنی آسان کردن زندگی ای که بوسیله صنعت و برنامه ریزی ممکن شده است. خصوصاً چیزهایی که زندگی در خور شان و کرامت انسانی گروه‌های عمده مردم را برای جوامع امکان پذیر می‌کند. پیروزمند و همکاران تمدن را با جمع بندی تعاریف گوناگون اینگونه تعریف می‌کنند: ظهور و بروز جنبه مادی و عینی جوامع است که ریشه در فرهنگ آن داشته و با خاستگاهی عقلانی در عرصه سبک زندگی و تنظیم نظام‌های اجتماعی شامل نظام سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و سایر خرده نظام‌ها بروز نموده و بر اساس نظام مقبول، جهت رسیدن به مطلوب‌ها می‌باشد.

یکی از خصوصیات گفتمان انقلاب اسلامی، نگاه تمدنی و توجه به بازسازی تمدن اسلامی در دوران کنونی است. رویکرد تمدنی مستلزم انعکاس اندیشه الهی و اسلامی و انقلابی در تمام حوزه‌های معرفتی و ساحت‌های فردی و اجتماعی و خانوادگی است. این منشور تمام تلاش خود را در تجلی این نگاه در تمام ساحت‌های تربیت بکار گرفته است. در این رویکرد، امت اسلامی بعنوان یک کل در نظر گرفته شده است، همچنین جایگاه و امتیازات ایران نیز مورد توجه قرار گرفته است (۱۷).

چپستی، چرایی و چگونگی تربیت:

❖ چپستی: موضوع تعریف تربیت، در این مجموعه به لحاظ مقصود مدنظر از تعریف تربیت و برحسب اصطلاح رایج تنها شامل آن دسته از تدابیر و فعالیت‌های اجتماعی هدفمندی است که از سوی انسان‌های نسبتاً رشد یافته به منظور رشد و اصلاح پایدار همه جنبه‌های فردی و جمعی وجود دیگر افراد آدمی و طبیعتاً به آشکال مختلف نسبت به مخاطبان گوناگون در طول زندگی ایشان انجام می‌شود. بنابراین اصطلاح، تعریف مورد نظر به لحاظ صبغه انسانی و اجتماعی آن شامل تربیت الهی و حتی تدابیر و اعمال اصلاحی انسان‌های بزرگ سال نسبت به خویشان - خودسازی و تهذیب نفس - نمی‌شود. تربیت را باید عملی جامع و یک پارچه، تدریجی، هماهنگ، فراگیر و همیشگی (مادام العمر) و مشتمل بر تمام فرآیندهای زمینه ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی دانست که به صورت امری واحد، با تکوین و تعالی پیوسته و یک پارچه تمام ابعاد فردی و اجتماعی وجود انسان، به منزله یک کل، سر و کار دارد (۱۷). چپستی تربیت از دیدگاه قرآن کریم نیز به این صورت است که: "تربیت یعنی برانگیختن، رشد دادن و شکوفا کردن استعدادهای انسان در جهت کمال، آنچنان که لیاقتش را دارد، از راه فراهم ساختن تمام یا قسمتی از پیش نیازها و موارد مورد نیاز و تاثیرگذار در شکوفایی استعدادها آدمی و همچنین برطرف کردن موانع کمال و تعالی انسان از طرف مربی، همراه با سعی و دلسوزی او، بطوری که متری به قدر تربیتش، خود را مدیون مربی بداند (۱۸).

❖ چرایی: بحث چرایی تربیت ناظر به بیان فلسفه وجودی این فرآیند (وجه اهمیت و لزوم تربیت و جایگاه آن در اجتماع) و نیز تبیین غایت و نتیجه اختصاصی، هدف کلی و اهداف فرایند تربیت است. تربیت محور اصلی ارتقاء حیات انسان است پس مورد تأکید قرار گرفتن مصالح تربیتی در برنامه ریزی‌ها و تصمیم گیری‌های اجتماعی ضروری به نظر می‌رسد و کمک به جریان تربیت، از مهم ترین معیارها در سیاست‌گذاری‌ها و تعیین اولویت‌های اجتماعی به شمار می‌آید (۱۷).

❖ چگونگی: این بحث ناظر به بیان نحوه ی تحقق غایت، هدف کلی و اهداف جریان تربیت در قالب توضیح و تشریح انواع تربیت و روابط بین آنها، ذکر عوامل سهم و مؤثر تربیت و نیز بیان موانع آن، توصیف ارکان فرآیند تربیت و شرح اصول عام حاکم بر این فرآیند است (۱۷).

نظریه تربیتی:

برای نظریه تعاریف متعددی ارائه شده است که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

نظریه علمی مجموعه ای از مفاهیم و گزاره‌هایی است که بیانگر ارتباط میان آن مفاهیم اند
نظریه به یک رشته قضایای مرتبطی اطلاق می‌شود که زمینه را برای تنظیم دانش و تبیین و پیش بینی زندگی اجتماعی و ایجاد فرضیه‌های تحقیقی نوین فراهم می‌سازند. نظریه یک چارچوب فیزیکی تجسم یافته در مجموعه ای از مفروضات بنیادین درباره

^۱ Civilisation

نیازهای فردی و اجتماعی بشر است. همچنین امام (ره) اعتقاد به محوریت قوانین قرآن را از پیش‌فرض‌های امت واحده و تمدن نوین اسلامی دانسته‌اند.

۲) ایمان

اولین هدف بعثت پیامبران، دعوت انسان‌ها به یکتاپرستی و ایمان به خدا است. «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ» (نحل، ۳۶). «و در حقیقت در میان هر امتی فرستاده برانگیختیم تا خدا را بپرستید و از طاغوت بپرهیزید». رسالت پیامبر اعظم (ص) نیز در همین مسیر بود. ایشان در طی ۲۳ سال نبوت، لحظه‌ای از این هدف والا غافل نشد و همه جهادها، جنگ‌ها و دلسوزی‌هایشان برای همین هدف، یعنی خدامحوری و دعوت به سوی خداوند متعال بوده است. این موضوع از چنان اهمیتی برخوردار است که در همه تمدن‌ها، عامل اساسی همه پیشرفت‌ها محسوب می‌شود.

در اندیشه رهبر معظم انقلاب در درجه اول، نیاز تمدن نوین اسلامی به ایمان مطرح است. ایشان معتقدند جدایی دین از سیاست از مظاهر شرک است که تا مسلمانان به همه ابعاد اسلام که سیاست نیز یک بعد مهم آن است، ایمان نیاورند، وارد اسلام واقعی نمی‌شوند. معظم‌له نقطه اصلی در تمدن اسلامی را ایمان به خداوند سبحان و به معنای عمیق توحید ناب معرفی می‌کنند و معتقدند یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است و ما باید به تعیین هدفی بپردازیم که به آن ایمان پیدا کنیم. ایشان معتقدند که:

"بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها میسر نیست و کار به نحو صحیحی انجام نمی‌شود. اکنون آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم، کاپیتالیسم، کمونیسم، فاشیسم یا توحید ناب باشد. بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد. بنابراین، مهم‌ترین شاخص جامعه و تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر انقلاب، همان خدامحوری و ایمان به خالق انسان‌هاست که باید در همه سطوح جامعه اجرا شود و روابط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی بر اساس آن شکل می‌گیرد.

"یک نقطه اصلی وجود دارد و آن، ایمان است. یک هدفی را باید ترسیم کنیم - هدف زندگی را - به آن ایمان پیدا کنیم. بدون ایمان، پیشرفت در این بخش‌ها امکان‌پذیر نیست؛ کار درست انجام نمی‌گیرد. حالا آن چیزی که به آن ایمان داریم، می‌تواند لیبرالیسم باشد، می‌تواند کاپیتالیسم باشد، می‌تواند هم توحید ناب باشد؛ بالاخره به یک چیزی باید ایمان داشت، اعتقاد داشت، به دنبال این ایمان و اعتقاد پیش رفت. مسئله‌ی ایمان، مهم است. ایمان به یک اصل، ایمان به یک لنگرگاه اصلی اعتقاد؛ یک چنین ایمانی باید وجود داشته باشد. بر اساس این ایمان، سبک زندگی انتخاب خواهد شد.

در اینجا یک مغالطه‌ای وجود دارد، که من برای شما جوان‌ها عرض بکنم: چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات روشنفکری، عنوان

عالم و یک چارچوب مقتصدانه دربرگیرنده شمار بسیاری از پدیده‌هاست. نظریه مجموعه مشخصی از معادلات و پیش‌بینی‌ها را ارائه می‌دهد، آن‌هایی که به واسطه توافق موفقیت آمیز با نتایج تجربی احراز شده‌اند (۱۹).

یک نظریه مجموعه‌ای از سازه‌ها، تعاریف و گزاره‌های به هم مرتبط است که از طریق مشخص ساختن روابط بین متغیرها، با هدف تبیین و پیش‌بینی پدیده‌ها، دید نظام یافته‌ای از پدیده‌ها ارائه می‌کند.

تاریخ تعلیم و تربیت نشان می‌دهد که از دیرباز حداقل در بعضی از تمدن‌ها، مثل تمدن یونان باستان، تمدن اسلامی یا تمدن جدید در عصر صنعتی و فراصنعتی، فعالیت‌های عملی تعلیم و تربیت در چارچوب آموزه‌های نظری خاصی صورت گرفته که اهل فن آن را نظریه تعلیم و تربیت نامیده‌اند. نظریه‌های تعلیم و تربیت زمینه‌های فعالیت عملی تعلیم و تربیت را فراهم می‌کنند و به فرآیند تعلیم و تربیت نظم و انسجام و جهت می‌بخشند. افزون بر این، نظریه تربیتی تا حدودی منش، شخصیت و صفاتی را که متعلمان باید دارا باشند و نیز نوع دانش و بینشی که شایسته است فراگیرند، مشخص می‌کند.

یافته‌ها

تبیین چستی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری:

در اندیشه‌ی معظم‌له شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی، بهره‌مندی انسان‌ها از همه‌ی ظرفیت‌های مادی و معنوی است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. محوریت قوانین قرآن، ایمان، علم، اخلاق، مجاهدت، حکومت مردمی و اندیشه پیشرفته، اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوین بشر، پرهیز از تجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقات، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری، ربا، تکاثر و "دفاع از مظلومان عالم" است که وجه مشترک شاخصه‌های تمدن اسلامی در دیدگاه معظم‌له و سایر اندیشمندان اسلامی است. ایشان از ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل، صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری به عنوان شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی یاد می‌کنند که همین شاخصه‌ها قابلیت این را دارند که جهان‌بینی مادی ظالمانه غرب را به سوی سعادت برهاند.

۱) محوریت قوانین قرآن

در اندیشه مقام معظم رهبری، قرآن و جایگاه قوانین آن در تمدن اسلامی از جایگاه مهمی برخوردار است. به اعتقاد ایشان شکل‌گیری تمدن نوین اسلامی باید با توجه به «مبانی مشترک همه مذاهب اسلامی» و نه ایران شیعی باشد. بدیهی است که اولین و عالی‌ترین منبع مشترک بین همه فرق اسلامی، قرآن عظیم است. ایشان همچنین عامل اصلی دشمنی معاندان با ایران اسلامی را همین موضوع یعنی محوریت قوانین الهی برگرفته شده از قرآن می‌داند. علت اهمیت بسیار قرآن کریم، جامعیت قوانین آن و جوابگویی آن به همه

امروز در محیط‌های روشنفکری، کسانی هستند با شکل‌های گوناگون، با قد و قواره‌های گوناگون، اینها ما را از شعارهای مکتبی برحذر میدارند؛ دوران اوج شعارهای مکتبی را که دهه ۶۰ است، زیر سؤال میبرند؛ امروز هم از تکرار شعارهای مکتبی و شعارهای انقلابی و اسلامی، خودشان واهمه دارند و میخواهند در دل دیگران واهمه بیندازند؛ می‌گویند آقا، هزینه دارد، دردرس دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوئیم اینها تاریخ نخوانده‌اند - البته نگاه‌های بدبینانه هم وجود دارد - اینها اگر تاریخ خوانده بودند و اطلاع داشتند از سرگذشت و منشأ و مبدأ تمدنهایی که وجود دارد و همین تمدن مادی غرب که امروز میخواهد دنیا را فتح تصرف کند و این حرف را نمیزدند. باید بگوئیم اینها بی‌اطلاعند، تاریخ نخوانده‌اند.

جامعه‌ی بدون آرمان، بدون مکتب، بدون ایمان، ممکن است به ثروت برسد، به قدرت برسد، اما آن وقتی هم که به ثروت و قدرت برسد، تازه میشود یک حیوان سیر و قدرتمند - و ارزش انسان گرسنه از حیوان سیر بیشتر است - اسلام این را نمیخواهد. اسلام طرفدار انسانی است که هم برخوردار باشد، هم قدرتمند باشد، و هم شاکر و بنده‌ی خدا باشد؛ جبهه‌ی عبودیت بر خاک بساید. انسان بودن، قدرتمند بودن و بنده‌ی خدا و عبد خدا بودن؛ این آن چیزی است که اسلام میخواهد؛ میخواهد انسان بسازد، الگوی انسان‌سازی است.

پس در درجه‌ی اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه‌ی آنچه را که مورد نیاز ماست، میتوانیم پیدا کنیم؛ باید اینها را محور بحث و پژوهش خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار پرحجم و باکیفیتی انجام دهیم - حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه مسئولیت دارد - آن را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن را در آموزش‌های خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم. این مطلب اول و نکته‌ی اول در باب تمدن‌سازی نوین اسلامی و به دست آوردن و رسیدن به این بخش اساسی از تمدن است، که سلوک عملی است.

هیچ‌کدام از این چیزهایی که من فهرست کردم و گفتم، شما نمیتوانید پیدا کنید که یا به صورت خاص، یا تحت یک عنوان عام، در اسلام به آن پرداخته نشده باشد. انواع سلوک با افرادی که انسان با آنها ارتباط دارد، انواع رفتارهای ما، انواع چیزهایی که در زندگی اجتماعی برای انسان وجود دارد، اینها در اسلام هست؛ در مورد سفر کردن هست، در مورد رفت‌وآمد هست، در مورد سوار شدن و پیاده شدن هست، در مورد پدر و مادر هست، در مورد تعاون هست، در زمینه‌ی رفتار با دوست هست، در زمینه‌ی رفتار با دشمن هست. در همه‌ی چیزها، یا به طور خاص در منابع اسلامی ما موجود است، یا تحت یک عنوان کلی وجود دارد؛ که اهل استنباط و اهل نظر میتوانند آن چیزی را که مورد نیازشان است، از آن به دست بیاورند و پیدا کنند.

«ایدئولوژی‌زدائی» مطرح می‌شود: آقا جامعه را با ایدئولوژی نمی‌شود اداره کرد. چند تا فیلسوف یا فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم اینجا طوطی‌وار، بدون اینکه عمق این حرف را درک کنند، بدون اینکه ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، باز هم تکرار می‌کنند. هیچ ملتی که داعیه‌ی تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمیتواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دارا بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند. همینهایی که امروز شما ملاحظه میکنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، اینها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتصاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آنها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، و بدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

البته بعضی از کشورها مقلدند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی یک چیزی را گرفته‌اند، زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، اینها ممکن است به یک پیشرفتهایی هم برسند، به یک پیشرفتهای صوری و سطحی هم میرسند، اما مقلدند؛ اینها تمدن‌ساز نیستند، اینها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، اینها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر اینکه کار آنها تقلید است و تقلید پدرشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب گیرشان می‌آید و بسیاری‌اش گیرشان نمی‌آید، اما همه‌ی زبان‌های آنها گیرشان می‌آید.

من نمی‌خواهم از کشورها اسم بیاورم. بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آنها به عنوان یک الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می‌شود. بله، ممکن است آنها به یک صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه‌ی مادی یا در زمینه‌ی علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلدند؛ ذلت تقلید و فرودستی تقلید، روی پیشانی آنها حک شده؛ علاوه بر این، همه‌ی آسیب‌های تمدن کنونی مادی غرب را آنها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند. امروز این تمدن مادی غرب دارد نشان میدهد مشکلاتی را که برای بشریت و برای پیروان خودش به وجود آورده.

پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمیتوان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده‌ی همه‌ی اینها خواهد شد. آن که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار میدهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه‌ی این خیراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی، یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان هم با شدت این را دارند دنبال می‌کنند.

۳) خردورزی

رهبر معظم انقلاب بر "خردورزی" به عنوان مهم‌ترین بن‌مایه سبک زندگی در تمدن نوین اسلامی تأکید دارند. در لسان روایات، یک ساعت اندیشیدن در آغاز و فرجام زندگی و اعتقادات دینی که نوعی خردورزی است، از عبادت چندین ساله برتر شمرده شده است. خداوند در قرآن سیصد مرتبه انسان را به خردورزی دعوت کرده است (۱۳). همچنین امام (ره) معتقدند انسان به طور کلی سه نشئه دارد و صاحب سه مقام و عالم است - نشئه آخرت، عالم غیب و مقام روحانیت و عقل؛ نشئه برزخ و عالم متوسط بین‌العالمین و مقام خیال؛ نشئه دنیا و مقام ملک و عالم شهادت - از این رو، به اعتقاد ایشان انسان از سه لایه عقلی، قلبی و ظاهری برخوردار است که بعد عقلی، نیازمند به کمال؛ بعد اخلاقی نیازمند تربیت؛ و بعد ظاهری او نیازمند به عمل است و دستورات انبیا و اولیاء الهی برای عقل، کمال و برای قلب، تربیت و برای جوارح حسی، عملی مناسب محسوب می‌شود. ایشان معتقد به سه سطح برای عقلانیت انسان هستند. الف: «عقلانیت معرفتی»؛ ب: «عقلانیت اخلاقی»؛ ج: «عقلانیت ابزاری» (۲۰). از دیدگاه امام (ره) مراد از عقل مستند به حدیث شریف «العقل ما عبد به الرحمن» (کلینی، ج ۱، بی تا: ۱۱) عقل سلیمی است که بتواند انسان را به ارزش‌های انسانی برساند؛ بنابراین، از دیدگاه ایشان، ممکن است شخصی دانشمند باشد، اما عقل نداشته باشد و دانش خود را صرف فساد و تباه کردن ملت‌ها کند.

ارکان، مبانی و چارچوب نظری دیدگاه رهبری معظم انقلاب در حوزه تمدن‌سازی نوین اسلامی، برگرفته از مبانی فکری امام خمینی (ره) است و در برخی موارد شکوفاسازی، گسترش و تکمیل آن مبانی است. چنانچه معظم له در مراسم اوّلین سالگرد ارتحال امام خمینی (ره) تصریح نمودند: "راه ما همان راهی است که امام بزرگوارمان ترسیم کردند" مقام معظم رهبری عقلانیت را که یکی از شاخصه‌های بارز و مهم تمدن اسلامی است، چنین تعریف کرده‌اند: «عقلانیت یعنی نیروی خرد انسان را استخراج کردن و آن را بر تفکرات و اعمال انسان حاکم قرار دادن. برای تشکیل مدینه فاضله و امت واحده اسلامی و تمدن بزرگ اسلام، باید عقل را معیار و ملاک قرار بدهیم. اوّلین کار در این راستا این است که تقویت نیروی عقل و خرد در جامعه انجام شود. عقلانیت به معنای محافظه‌کاری، مسامحه و تساهل نیست». همچنین به اعتقاد ایشان یکی از مشکلات بزرگ مسلمانان، به کار نبستن عقل و خرد خدادادی است که سبب خسارت‌های مادی، معنوی، دنیوی و اخروی شده و تشکیل امت بزرگ واحد اسلامی را با اخلال مواجه کرده است. معظم له دوری روحانیت غربی از عقلانیت و خردورزی در دوره قبل از رنسانس را عامل اصلی پیدایش تمدن منحرف غربی معرفی می‌کند.

۴) علم

رسالت پیامبر(ص) با خواندن آغاز و این باعث تفاوت اسلام با سایر ادیان شد (۲۱). قرآن در آیه ۹ سوره زمر بر برتری عالمان بر کسانی

که از این ارزش برخوردار نیستند، تصریح کرده است. در سوره طه آیه ۱۱۴ «... وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» به پیامبر(ص) امر می‌شود که از درگاه الهی افزایش علم خود را طلب کند. در آیات دیگر قرآن مانند بقره/۲۸۰، نحل/۹۵، عمران/۱۹۰، انعام/۱۱، یونس/۵، عنکبوت/۱۵ و... کسانی که اهل علم نیستند، پیوسته سرزنش می‌شوند. نکات فوق بیانگر اهمیت علم در قرآن است. در قرآن علم و ایمان در کنار هم است: «وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْنَا» (روم، ۵۶). سفارش‌های مکرر پیامبر (ص) درباره دانش‌افزایی مسلمانان بسیار فراوان است که گاهی موجب تعجب عموم پژوهشگران شده است (۲۱). روایاتی مانند «خداوند نیک‌بختی هر کسی را بخواهد، او را در دین دانا گرداند» (۲۲)؛ «فرشتگان بال‌های خود را زیر پای دانشجویان می‌گسترانند»؛ «دانشمندان وارثان پیامبران‌اند» و «نزدیک‌ترین مردم به درجات نبوت، اهل علم و جهاد هستند» (۲۳) بیانگر اهمیت علم در اسلام و نزد آن حضرت است. «خوب پرسیدن نیمی از دانش است» (۲۴). «برای طلب و فراگیری دانش تا چین بروید، پس فراگیری علم برای همه مسلمانان واجب است» پیامبر(ص) برای آزاد کردن بعضی از اسرایی که در جنگ بدر اسیر شدند و پول کافی نداشتند تا خود را آزاد کنند، شرط گذاشت که اگر ده نفر از مسلمانان را باسواد کنند، از قید اسارت آزاد می‌شوند. اهتمام ویژه اسلام به دانش‌پروری و نیاز به درک صحیح آموزه‌های اسلامی باعث گردید مسلمانان درصدد توسعه علم و دانش و گسترش فرهنگ و پیشرفت تمدن انسانی برآیند و به گسترش تعلیم و تربیت بپردازند.

از این رو، در اندیشه رهبر معظم انقلاب مد ظله العالی، مجاهده علمی و شکستن مرزهای علم، چراغ راه تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان، فردی بدون علم تاریک است و چراغ راه تحقق تمدن اسلامی، مجاهده علمی است. علم از دیدگاه ایشان سلطه‌آور است و جامعه صاحب علم را قدرتمند می‌سازد. ایشان به میزان بسیاری تأکید می‌کنند که علم را باید فراگرفت و به تولید و صدور آن پرداخت و به مصرف آن نباید بسنده کرد. روش‌شناسی تولید علم از دیدگاه ایشان، اجتهاد به معنای مصطلح، یعنی استنباط از منابع دینی و رجوع به عقلی است که پشتوانه آن وحی است. در این صورت تولید علم می‌تواند در مسیر رشد و اعتلای تمدن اسلامی باشد. به اعتقاد ایشان دشمن از هیچ تلاشی برای عدم تحقق این اصل فروگذار نمی‌کند و بنابراین، باید ترفندهای دشمن را شناخت. نکته بسیار مهم در دیدگاه ایشان درباره علم، شکستن مرزهای دانش به وسیله مسلمانان است. به اعتقاد ایشان، تحجر و جزم‌گرایی در خصوص یافته‌های علمی گذشتگان یا متفکران غربی، آفت اصلی تحقق رشد علمی است و آزاداندیشی راه برون‌رفت از این آفت است.

به اعتقاد ایشان، ارزش علم منوط به معنویت است و علم بدون معنویت فاقد هر گونه ارزشی است. زیرا علم بدون معنویت همان چیزی می‌شود که اکنون تمدن غربی با آن مواجه است. تمدنی که با روش‌های پیچیده علمی توانست موفقیت‌های بزرگی به دست

۱. اَمِنْ هُوَ قَائِلٌ اَنَا، اَلَيْلُ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ اِنَّمَا يَتَذَكَّرُ اُولُو الْاَلْبَابِ

دیدگاه ایشان مهندسی و مدیریت لایه دوم وجود آدمی را بر عهده دارد، عبارت است از "هوای لطیف"، یعنی انسان‌ها به همان مقدار به اخلاق نیاز دارند که به هوا، نه به آب و نه به غذا بنابراین در سایه محیط سالم است که تمدن شکل می‌گیرد.

۶) مجاهدت

بدون تردید پایه‌گذاری، تکوین و گسترش تمدن‌ها فقط در پرتو تلاش مستمر انسان‌ها میسر است و یکی از شاخصه‌های بارز تمدن‌ها، تلاش و کوشش مستمر افراد آن است. در منابع اسلامی این تلاش مستمر مورد توجه تام قرار گرفته و از آن با عنوان مجاهدت یاد شده است که تأثیری بس عظیم در رشد و دوام تمدن اسلامی دارد. این مجاهدت مختصات مربوط به خود را دارد که در هیچ تمدنی مسبوق به سابقه نیست. این واژه در فرهنگ قرآنی نیز مورد توجه قرار گرفته و در مقاطع مختلف دستور به مجاهدت در همه امور داده است. چنانچه مفسران واژه جهاد در آیه «فَلَا تَطْعِ الْكٰفِرِيْنَ وَجَاهِدْهُمْ بِهٖ جِهَادًا كَبِيْرًا» (فرقان/۵۲) را به معنی مجاهدت علمی دانسته‌اند (۲۷، ۲۶، ۲۵). بر این اساس در بیان مقام معظم رهبری، واژه مجاهدت واژه‌ای استراتژیک است که با توجه به آثار عمیق آن در رشد و دوام تمدن نوین اسلامی، در مناسبت‌های مختلف همه را به مجاهدت در همه امور دعوت کرده‌اند. ایشان با استناد به آیه «وَالَّذِيْنَ جَاهَدُوْا فَاِنَّا لَنُهْدِيْهِمْ سُبُلَنَا وَاِنَّ اللّٰهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِيْنَ» (عنکبوت، ۶۹) معتقدند که در صورت مجاهدت، حصول موفقیت و دریافت تأییدات الهی قطعی است. در دیدگاه حضرت آیت‌الله خامنه‌ای مجاهدت فوق با تلاش معمولی بسیار تفاوت دارد که اصلی‌ترین تفاوت آن با تلاش معمولی با استناد به آیه فوق، موضوع مهم اخلاص است (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۳/۲۲ و ۱۳۹۱/۱۲/۱۴). در آیه فوق با توجه به قید «فینا» و تأکید «لَنُهْدِيْهِمْ» به صراحت درباره همه امور جهادی که در جهت رضای الهی باشد، وعده موفقیت قطعی و نصرت الهی داده شده است. بنابراین به اعتقاد معظم له، مجاهده یکی از ارکان شکل‌گیری تمدن اسلامی است.

ایشان معتقدند برای دستیابی به تمدن نوین اسلامی باید جهاد کرد. جهاد اکبر، مبارزه با نفس و جهاد اصغر، مبارزه با دشمن خارجی و استکبار جهانی است. مقام معظم رهبری با مطرح کردن جهاد سیاسی، جهاد اقتصادی و جهاد علمی، مسلمانان را تشویق به مجاهدت می‌کند. بنابراین می‌توان نتیجه گرفت که در اندیشه آن حضرت، جهاد در همه زمینه‌ها موجب پیشبرد اهداف متعالی می‌شود و در مقابل دشمن عقب‌نشینی نمی‌شود. ایشان در دیدار مسئولان کشور در روز عید مبعث در سال ۱۳۹۰ در خصوص مجاهدت و می‌فرمایند: «اسلام این توانایی را داشت و دارد که بشریت را به سعادت برساند، به کمال برساند و از لحاظ مادی و معنوی او را رشد دهد. این پایه‌هایی که پیغمبر گذاشتند - پایه ایمان، پایه عقلانیت، پایه مجاهدت، پایه عزت - پایه‌های اصلی جامعه اسلامی است» (مقام معظم رهبری، ۱۳۹۰/۴/۹ و ۱۳۹۲/۸/۲۹).

۷) حکومت مردمی

در اندیشه رهبر معظم انقلاب، مردم نقشی بی‌بدیل در تمدن اسلامی دارند. ایشان ضمن تبیین شاخصه‌های بارز مکتب سیاسی امام خمینی

آورد. اما به لحاظ معنویت دچار عظیم‌ترین خسارت‌ها گردید. تأکید رهبر معظم انقلاب بر علم همراه با معنویت به این دلیل است که علم با خود قدرت می‌آورد و اگر این قدرت رها باشد، عامل فساد و فتنه‌انگیزی می‌شود. بر عکس زمانی که معنویت علم را فرماندهی کند، عامل سعادت می‌شود و در خدمت آرامش و امنیت مردم قرار می‌گیرد. مثال گویای سوءاستفاده از علم، استفاده غیرانسانی ایالات متحده آمریکا از فناوری بالای هسته‌ای در قتل و عام مردم بی‌گناه هیروشیما و ناکازاکی است.

دیدگاه راهبردی امام (ره) در زمینه علم به عنوان یکی از ارکان و مبانی تمدن نوین اسلامی آن است که همه علوم با نیت الهی، «الهی» محسوب می‌شوند. همچنین تقارن علم با عمل، ضرورتی تام دارد؛ به طوری که علم و عمل دو بالی هستند که انسان را به مقام انسانیت می‌رسانند. بنابراین علم تنها اثر ندارد، بلکه گاهی مضر است و عمل بدون علم، بی‌نتیجه است (امام خمینی ره، ج ۸، ۲۶۸). در آثار امام به میزان بسیاری تأکید شده است که علم غیر از ایمان است و تصریح می‌فرمایند: "ممکن است انسان، برهان داشته باشد، ولی در مرتبه کفر و شرک باقی بماند"

۵) اخلاق

اخلاق جمع «خُلق» به معنای نیرو و سرشت باطنی انسان است که فقط با دیده بصیرت و غیرظاهر قابل درک است. علم اخلاق، علمی است که صفات نفسانی خوب و بد و اعمال و رفتار اختیاری متناسب با آن‌ها را معرفی می‌کند و شیوه تحصیل صفات نفسانی خوب و انجام اعمال پسندیده و دوری از صفات نفسانی بد و اعمال ناپسند را نشان می‌دهد. قرآن مسأله اخلاق را در ردیف اهداف اصیل عامه نبوت می‌داند و زندگی انسان را در ساحت اخلاق، زندگی سعادت‌مند و زندگی بدون اخلاق را مضرتر می‌داند (عصر، ۱).

اخلاق یکی دیگر از مهم‌ترین شاخصه‌های بارز تمدن نوین اسلامی در اندیشه رهبر معظم انقلاب ^{مد ظله العالی} است. ایشان معنویت و اخلاق را همان عامل می‌داند که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد و این تمدن، قرن‌ها دنیا را اداره کرد و امروز نیز دنیا، مدیون تمدن اسلامی است. به اعتقاد ایشان توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی گردید، در غیر این صورت چنین تمدن ماندگاری با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی به وجود نمی‌آمد. رهبر انقلاب شرط اصلی ساختن یک تمدن پیشرفته و دارای کمترین اشکالات را معنویت متکی بر دین اسلام می‌دانند و معتقدند که معنویت دینی زمینه‌ساز شناخت استعدادها و بهره‌گیری مناسب از آن‌ها و پیشرفت مطلوب در همه ابعاد و با کمترین آسیب خواهد بود.

ایشان به عنوان مبانی کارگشای تمدن نوین اسلامی «اسلام، خردورزی، اخلاق و حقوق را مایه اصلی فرهنگ صحیح می‌دانند و ما نیز باید به طور جدی به این مقولات پردازیم و گرنه پیشرفت اسلام و تمدن نوین اسلامی شکل نخواهد گرفت». معظم له در زمینه اینکه اخلاق چیست و وجود و عدم آن در جامعه چه نقش دارد؟ چه ارتباطی با عقلانیت و دیانت و علم دارد؟ می‌فرمایند: «اخلاق آن هوای لطیفی است که در جامعه بشری اگر وجود داشت، انسان‌ها می‌توانند با تنفس او زندگی سالمی داشته باشند». اخلاق که از

کشف آن کاری است که همگان باید انجام دهند؛ کاری است که در طول زمان باید انجام شود. تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۹۱/۱۲/۱۴ و ۱۳۷۹/۰۷/۱۴).

۹) ایجاد رفاه عمومی

از دیگر شاخصه‌های تمدن اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری، ایجاد رفاه عمومی برای مسلمانان به نحوی عادلانه است. ایشان در بیانات خود به این موضوع مهم توجه بسیاری داشته و به مسئولان کشور و حاکمان اسلامی توصیه نموده است که برای آسایش، امنیت روحی و روانی و اقتصادی مردم باید بیشتر تلاش کنند. بدون شک رفاه عمومی از لوازم و زمینه‌های شکل‌گیری تمدن‌هاست است، بنابراین در اندیشه معظم له این امر مهم - که در اسلام نیز به آن توجه ویژه شده - مورد تأکید قرار گرفته است. به اعتقاد ایشان، رویکرد اقتصادی اسلام خاص و فقط در اسلام وجود دارد و آن این است که سیاست کلی اقتصاد باید ایجاد رفاه عمومی و عدالت اجتماعی در بین تک تک افراد جامعه باشد. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی، در زمینه رفاه عمومی بیاناتی فرموده و آن را مورد توجه قرار داده اند. به اعتقاد ایشان "در واقع مؤلفه‌های این مجموعه ایجاد تحرک و پویایی در اقتصاد کشور و بهبود شاخص‌های کلان از قبیل رشد اقتصادی، تولید ملی، اشتغال، کاهش تورم، افزایش بهره‌وری و رفاه عمومی است" (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۲/۵/۱۲ و ۱۳۹۲/۱۲/۲۰).

۱۰) استقرار عدالت

عدالت که از اصول دین است، یکی دیگر از شاخصه‌های عمده تمدن اسلامی است. قرآن به عدالت‌ورزی امر می‌کند. «یا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ» (نساء، ۱۳۵). در جایی دیگر غایت ارسال پیامبران را اقامه عدالت معرفی می‌کند. «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید، ۲۵). در این آیه عدالت را وصف کل مردم آورده است که خود دلیل اهمیت بسیار حضور روح عدالت‌ورزی در تمدن اسلامی است. در تاریخ یکی از عوامل اصلی زوال تمدن‌ها ظلم بوده است که نقطه مقابل عدالت است. بر این اساس در اندیشه مقام معظم رهبری^{مد ظله} العالی، زوال تمدن‌ها معلول انحراف‌هاست و تمدن‌ها بعد از آنکه به اوج می‌رسند، به دلیل ضعف‌ها و خلأها و انحراف‌های خود رو به انحطاط می‌روند و اکنون نشانه این انحطاط در تمدن غربی قابل مشاهده است. به طوری که تمدن علم بدون اخلاق، مادیت بدون معنویت و دین و قدرت بدون عدالت است. معظم له در جایی دیگر از عدالت اجتماعی به عنوان یکی از مهم‌ترین و اصلی‌ترین خطوط در مکتب سیاسی امام یاد می‌کنند و معتقدند که باید عدالت اجتماعی و پر کردن شکاف‌های طبقاتی در همه برنامه‌های حکومت، در قانون‌گذاری، در اجرا، در قضا مورد نظر و هدف باشد. به اعتقاد ایشان اگر ما بگوییم کشور را ثروتمند می‌کنیم، اما ثروت‌ها در گوشه‌ای به نفع یک عده انبار شود و عده کثیری از مردم نیز دست‌شان خالی باشد، با مکتب سیاسی امام نمی‌سازد. پر کردن

(ره) از مردم به عنوان عامل شاخص یاد می‌کند که مورد توجه تام امام بوده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، هویت انسانی، هم ارزشمند و دارای کرامت است، هم قدرتمند و کارساز است. نتیجه ارزشمندی و کرامت داشتن این است که در اداره سرنوشت بشر و یک جامعه، آراء مردم باید نقش اساسی ایفا کند. از این رو، مردم‌سالاری در مکتب سیاسی امام که از متن اسلام گرفته شده است، مردم‌سالاری حقیقی است؛ مانند مردم‌سالاری امریکایی و امثال آن، شعار و فریب و اغواگری ذهن‌های مردم نیست. مردم با رأی، اراده، خواست و با ایمان راه و مسئولان خود را نیز انتخاب می‌کنند. مقام معظم رهبری اوج مردمی بودن حکومت امام (ره) را در به رأی گذاشتن قانون اساسی در اوایل انقلاب می‌داند و معتقدند که رأی مردم تعیین‌کننده است و این به دلیل کرامت آن‌هاست که به واسطه دین از ناحیه خداوند متعال به آنان واگذار شده است. در مکتب سیاسی امام و رهبری، مردم‌سالاری از متن دین برخاسته است. از «امرهم شوری بینهم» (شورا / ۳۸) و «هو الّذی ایدک بنصره و بالمؤمنین» برخاسته است (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۳/۸/۱۴).

۸) پرهیز از تحجر

متحجر کسی است که در مقابل نوآوری و تحول انعطاف نشان نمی‌دهد و اندیشه‌های همسو با اندیشه خود را می‌پذیرد و از پذیرش اندیشه دیگران اجتناب می‌ورزد (۲۸). تحجر یکی از موانع و بازدارنده‌های جدی نوآوری و شکوفایی در تمدن نوین اسلامی است که باید به شدت از آن پرهیز کرد؛ زیرا ما هر روز شاهد تحول در حوزه‌های مختلف زندگی هستیم. در تاریخ اسلام خوارج اولین گروهی بودند که به تحجر و مطلق‌انگاری مبتلا شدند. امام علی (ع) با تعابیر تندی درباره آن‌ها فرمودند: «من می‌کوشم که دردها را با شما درمان کنم، در حالی که شما خود درد بی‌درمان شده‌اید. کسی را مانند شده‌ام که خار در پایش خلیده است و او ناگزیر است با کمک خاری دیگر، خار را از پای بیرون کشد؛ و حال اینکه می‌داند آن خار در جای خار اول بشکند» (۲۹).

خطر تحجر و قشری‌نگری در تمدن نوین اسلامی به میزان بسیاری مورد توجه مقام معظم رهبری قرار دارد و معظم له مدام بر تولید فکر و نوآوری در تمامی زمینه‌ها تأکید اساسی دارند. ایشان دو عنصر اساسی را در ایجاد تمدن اسلامی، همانند سایر تمدن‌ها لازم می‌داند: یکی تولید فکر، دیگری پرورش انسان. رهبر معظم انقلاب^{مد ظله العالی} ضمن حمایت از طرح الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت آن را نیازمند جرأت، شجاعت و انگیزه بسیار قوی می‌داند که در این میان فکر و اندیشه، روح اصلی این حرکت است. «باید در طراحی الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت، بر چهار حوزه فکر، علم، معنویت و زندگی تأکید شود که در این میان، موضوع «فکر» بنیانی‌تر از بقیه حوزه‌ها است. همچنین ایشان درباره برتری فکر اسلامی می‌گویند: «خود فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس است. هر کس که لب اقیانوس رفت، نمی‌تواند ادعا کند که اقیانوس را شناخته است. هر کس هم که نزدیک ساحل پیش رفت یا چند متری در آب در یک نقطه‌ای فرو رفت، نمی‌تواند بگوید اقیانوس را شناخته است. سیر در این اقیانوس عظیم و رسیدن به اعماق آن و

«افزایش ثروت ملی» که کشور اسلامی باید کشور ثروتمندی باشد و اهداف والای خودش را در سطح بین‌المللی پیش ببرد. پایه دوم، «توزیع عادلانه و رفع محرومیت در جامعه اسلامی» است» (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۱۱/۱۳). ایده اقتصاد مقاومتی از سوی رهبر انقلاب و تحمل آن توسط مردم ایران یکی از پارامترهای گسترش تمدن نوین اسلامی است.

تبیین چرایی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری:

از دیدگاه مقام معظم رهبری چرایی کاربست نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی را می‌توان در تحقق دولت اسلامی و انتقال مرحله به مرحله جامعه اسلامی در گام‌های زیر دانست:

الف) تولید فکر و نظریه

اساساً انقلاب اسلامی بدنبال در افکندن طرحی نو و پی ریزی تمدنی جدید در مقابل مکاتب لیبرال دموکراسی و کمونیستی غرب و شرق بود و از این رو، بیش از آنکه انقلابی سیاسی و اقتصادی باشد انقلابی تحول خواه و فرهنگی است. از همین روی موفقیت انقلاب اسلامی و دستیابی آن به اهداف، منوط به تکمیل طرح اندیشه‌ای است که انقلاب اسلامی منادی آن است. لذا بدون شک بدون نظریه پردازی و تولید فکر اساساً امکان سیر نظام اسلامی به سمت تحقق جامعه اسلامی و شکل‌گیری تمدن اسلامی وجود ندارد. از این رو، مقام معظم رهبری، تولید فکر را در درجه اول تمدن‌سازی دانسته و برای آن نقشی حیاتی و تاریخ ساز قائلند (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۵/۰۳/۲۵). با توجه به ماهیت انقلاب اسلامی، در طراحی الگوی حرکت بیش از هر چیزی علاوه بر استفاده از دستاوردهای دیگران نیاز به تولید فکر و نوآوری برآمده از منابع اسلامی وجود دارد. به عنوان نمونه مقام معظم رهبری با اشاره به جایگاه عدالت در کنار رفاه و معنویت در کنار علم در این باره می‌فرمایند:

"ما می‌خواهیم کشورمان از همه جهات - از لحاظ علمی، از لحاظ اقتصادی، از لحاظ فناوری، از لحاظ سیاسی - به پیشرفت برسد، مردم به رفاه دست پیدا کنند؛ اما در کنار پیشرفت، می‌خواهیم کشور عادلانه و با عدالت اداره بشود؛ این مهم است. ممکن است بعضی از صاحب نظران و به اصطلاح تئوریسین‌های اقتصادی بگویند: آقا نمی‌شود؛ اگر بخواهید به پیشرفت اقتصادی دست پیدا کنید، ناچار باید فاصله طبقاتی را قبول کنید و بپذیرید! اینجاست که ما عرض می‌کنیم «نوآوری». نباید خیال کرد که نسخه‌های اقتصادی غرب، آخرین حد دستاورد بشری است؛ نه، این هم یک نسخه‌ای است، دوره‌ای دارد؛ آن دوره طی می‌شود و فکر تازه و فکر نویی به میدان وارد می‌شود؛ بگردید آن فکر نو را پیدا کنید؛ شاخص باید این باشد" (همان: ۱۳۸۷/۰۱/۰۱).

مقام معظم رهبری، تمدن‌سازی بدون تولید فکر و تدوین مبانی معرفتی را ناممکن دانسته و با توجه به همین ضرورت بیان می‌دارند که می‌باید با یک کار پر حجم و کیفی، مدل‌های مورد نیاز در زندگی، هم در ساحت نرم افزاری که حوزه سبک زندگی است و هم در ساحت سخت افزاری استخراج گردد (همان: ۱۳۹۱/۰۷/۲۳).

شکاف اقتصادی در بین مردم و رفع تبعیض در استفاده از منابع گوناگون ملی در میان طبقات مردم، مهم‌ترین و سخت‌ترین مسئولیت است و همه برنامه‌ریزان، قانون‌گذاران، مجریان و همه کسانی که در دستگاه‌های گوناگون مشغول کار هستند، باید این موضوع را مورد توجه قرار دهند و یکی از مهم‌ترین شاخص‌های حرکت خود به حساب آورند. ایشان در تبیین سیاست‌های اقتصاد مقاومتی درباره عدالت اجتماعی می‌فرمایند:

"از همه‌ی این شاخص‌ها مهم‌تر، شاخص کلیدی و مهم عدالت اجتماعی است. یعنی ما رونق اقتصادی کشور را بدون تأمین عدالت اجتماعی به هیچ وجه قبول نداریم و معتقد به آن نیستیم. کشورهایی هستند که شاخص‌هایشان خیلی خوب است، مطلوب است، رشد اقتصادی‌شان خیلی بالا است؛ لکن تبعیض، اختلاف طبقاتی، نبود عدالت در آن کشورها محسوس است؛ ما این را به هیچ وجه منطبق با خواست اسلام و اهداف جمهوری اسلامی نمی‌دانیم. بنابراین یکی از مهم‌ترین شاخص‌های ما، شاخص عدالت اجتماعی است. باید طبقات محروم از پیشرفت اقتصادی کشور به معنای واقعی کلمه بهره‌مند بشوند" (بیانات مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۷/۱۴ و ۱۳۸۳/۳/۱۸).

۱۱) دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر

در حدود نهمصد آیه از قرآن، مباحث و مسائل اقتصادی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم مطرح شده است. در قرآن، اهداف اقتصادی (مانند عدالت اقتصادی، فقرزدایی و غیره) مبانی اقتصاد (پایان‌ناپذیری منابع)، محوریت انسان در منافع جهان، مالکیت حقیقی خداوند، تضمین روزی همگان، و اصالت آخرت، اصول اقتصادی (میان‌روزی تعاون، همراهی اقتصاد با ارزش‌های الهی و اخلاقی و نفی ربا و غیره) و نیز نظریه‌پردازی اقتصادی (تأثیر امور معنوی در رشد اقتصادی و غیره) مطرح شده است (۳۰). با توجه به آیات قرآن، اقتصاد و جمع‌آوری ثروت و ویژه‌خواری، هدف نیست، بلکه مقدمه رسیدن به اهداف عالی است. «ای اهل ایمان! یقیناً بسیاری از عالمان یهود و راهبان، اموال مردم را به باطل می‌خورند و همواره [مردم را] از راه خدا باز می‌دارند؛ و کسانی را که طلا و نقره می‌اندوزند و آن را در راه خدا هزینه نمی‌کنند، به عذاب دردناکی مژده ده» (توبه، ۳۴). از دیدگاه قرآن، سرمایه وسیله تولید و کار است. از این رو نباید به صورت گنج ذخیره‌سازی شود یا وسیله رباخواری شود که مانع رشد اقتصادی است. «ای اهل ایمان! از خدا پروا کنید، و اگر مؤمن هستید آنچه را از ربا [بر عهده مردم] باقی‌مانده رها کنید. و اگر چنین نکردید به جنگی بزرگ از سوی خدا و رسولش [بر ضد خود] یقین کنید» (بقره، ۲۷۹-۲۷۸).

مقام معظم رهبری مد ظله العالی به بحث اقتصاد سالم در تمدن نوین اسلامی عنایت دارند و از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر که آفت رشد اقتصادی است، به شدت نهی می‌کنند و پیوسته به قوه قضاییه درباره مقابله با ویژه‌خواری و رانت‌بازی، و به دولت‌ها در خصوص پیگیری اجرای سیاست‌های اقتصاد سالم تذکر می‌دهند. دلیل توجه بسیار به مبانی اقتصاد و مسائل پیرامون آن به منابع اسلام باز می‌گردد. به اعتقاد معظم‌له دو پایه اقتصاد اسلامی عبارت‌اند از:

"بدون شک مدیران جامعه جزو نقش آفرینانند؛ سیاستمداران جزو نقش آفرینانند؛ متفکران و روشنفکران جزو نقش آفرینانند؛ آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش آفرینی کنند؛ اما نقش علمای دین... یک نقش یگانه است؛ نقش منحصر به فرد است. مدیران هم برای اینکه بتوانند درست نقش آفرینی کنند، به علمای دین احتیاج دارند. سیاستمداران و فعالان سیاسی در جامعه نیز همین طور. محیط‌های گوناگون علمی و روشنفکری نیز همین طور... نقش آفرینی را به علمای دین منحصر نمی‌کنیم؛ اما جایگاه نقش آفرینی علمای دین را از همه جایگاه‌های دیگر برجسته تر می‌بینیم؛ به این دلیل روشن که در این راه، اندیشه دینی و ایمان دینی برای انسان‌ها لازم است؛ تولید فکر اسلامی برای این راه، ضروری و لازم است و اگر علمای دین سر صحنه نباشند، دیگری نمی‌تواند این کار را انجام دهد"

(ب) تولید علم

از دیدگاه مقام معظم رهبری، علم کلید اصلی تمدن‌سازی و رسیدن به نقطه مطلوب و همچنین لازمه پیشرفت همه جانبه کشور است. مقام معظم رهبری لازمه تأثیرگزاری را اقتدار علمی می‌داند و معتقد است:

"یک ملت، با اقتدار علمی است که می‌تواند سخن خود را به گوش همه افراد دنیا برساند؛ با اقتدار علمی است که می‌تواند سیاست برتر و دست والا را در دنیای سیاسی حائز شود" (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۹/۰۵/۲۳).

تولید علم، انحصار در علوم پایه و فنی و مهندسی و تجربی ندارد بلکه از مهم ترین حوزه‌ها و شاید مهم ترین حوزه، علوم انسانی است. مقام معظم رهبری در این باره می‌فرماید:

"مسئله تولید علم فقط مربوط به علوم پایه، تجربی و... نیست، بلکه شامل همه علوم و از جمله علوم انسانی است. نکته مهم رابطه بین تولید فکر و نظریه با تولید علم است. این رابطه در علوم انسانی رابطه‌ای مستقیم و تنگاتنگ است و نظریه‌های حاکم، تأثیر تام بر علوم انسانی دارند" (همان: ۱۳۸۹/۰۶/۱۴).

ایشان در همین رابطه با اشاره به رابطه نظریه و علوم مدون در حوزه اقتصاد و مدیریت و... می‌فرمایند:

"ما نمی‌گوییم علوم انسانی غیر مفید است؛ ما می‌گوییم علوم انسانی به شکل کنونی مضر است؛ بحث سر این است... بحث سر این نیست که ما جامعه شناسی یا روان شناسی یا علم مدیریت با تعلیم و تربیت نمی‌خواهیم یا چیز خوبی نیست یا فایده‌ای ندارد. چرا؛ قطعاً خوب است؛ قطعاً لازم است. من یکی از حرف‌هایی که دارم، همین رشته تعلیم و تربیت در حوزه است. بحث در این نیست که این علوم مفید نیست؛ بحث در این است که اینی که امروز در اختیار ما قرار دادند، مبتنی بر یک جهان بینی است غیر از جهان بینی ما. علوم انسانی مثل پزشکی نیست، مثل مهندسی نیست، مثل فیزیک نیست که جهان بینی و نگرش نسبت به انسان و جهان در آن تأثیر نداشته باشد؛ چرا، تأثیر دارد. شما مادی باشید، یک جور علوم انسانی تنظیم می‌کنید. علوم انسانی ما برخاسته از تفکرات بوزنیویستی قرن پانزده و شانزده اروپاست. قبلاً که علوم انسانی وجود نداشته است؛ آنها آمده اند همین اقتصاد را، همین جامعه شناسی را در قرن هجدهم و

ایشان برای تحقق هر تمدنی دو شرط اساسی مطرح می‌کنند که در راس آن تولید فکر قرار دارد و دیگری، پرورش و تربیت نیروی انسانی لازم است. از نظرگاه آیت‌الله خامنه‌ای حوزه‌های علمیه و دانشگاه‌ها در فرآیند تولید فکر و تربیت منابع انسانی نقش اول را دارا هستند و در فرآیند ایجاد تمدن نوین اسلامی باید این نقش را ایفا کنند.

مقام معظم رهبری با توجه به همین عامل «نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی، و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فناوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما، و تا روابط بین الملل و غیره و غیره را از لوازم مهم تمدن‌سازی می‌داند (همان: ۱۳۹۲/۰۲/۰۹). ایشان مسیر برآمده از انقلاب اسلامی را به جدولی تشبیه می‌کنند که خانه‌های خالی دارد و مواعی پیش روی آن وجود دارد و می‌باید با خردورزی و تولید فکر کامل گردد (همان: ۱۳۹۳/۰۳/۱۴). مقام معظم رهبری تولید نظریه مبتنی بر مبانی اسلامی را وظیفه اصلی حوزه علمیه دانسته و در این زمینه می‌فرماید:

"نظریه پردازی سیاسی و نظریه پردازی در همه جریان‌های اداره یک ملت و یک کشور در نظام اسلامی به عهده ی علمای دین است. آن کسانی می‌توانند در باب نظام اقتصادی، در باب مدیریت، در باب مسائل جنگ و صلح، در باب مسائل تربیتی و مسائل فراوان دیگر نظر اسلام را ارائه بدهند که متخصص دینی باشند و دین را بشناسند. اگر جای این نظریه پردازی پر نشد، اگر علمای دین این کار را نکردند، نظریه‌های غربی، نظریه‌های غیردینی، نظریه‌های مادی جای آنها را پر خواهد کرد. هیچ نظامی، هیچ مجموعه‌ای در خلأ نمی‌تواند مدیریت کند؛ یک نظام مدیریتی دیگری، یک نظام اقتصادی دیگری، یک نظام سیاسی دیگری که ساخته و پرداخته اذهان مادی است، می‌آید جایگزین می‌شود؛ همچنان که در آن مواردی که این خلأها محسوس شد و وجود داشت، این اتفاق افتاد.. وقتی اینها رایج شد، مدیران براساس آنها تربیت می‌شوند؛ همین مدیران می‌آیند در رأس دانشگاه، در رأس اقتصاد کشور، در رأس مسائل سیاسی داخلی، خارجی، امنیت، غیره و غیره قرار می‌گیرند.

حوزه‌های علمیه و علمای دین پشتوانه‌هایی هستند که موظفند نظریات اسلامی را در این زمینه از متون الهی بیرون بکشند، مشخص کنند، آنها را در اختیار بگذارند، برای برنامه ریزی، برای زمینه‌های گوناگون... در زمینه‌های گوناگون، امروز نیاز وجود دارد؛ هم برای نظام اسلامی، هم در سطح کشور، هم در سطح جهان، تبیین معرفت شناسی اسلام، تفکر اقتصادی و سیاسی اسلام، مفاهیم فقهی و حقوقی‌ای که پایه‌های آن تفکر اقتصادی و سیاسی را تشکیل می‌دهد، نظام تعلیم و تربیت، مفاهیم اخلاقی و معنوی، غیره، غیره، همه اینها باید دقیق، علمی، قانع کننده و ناظر به اندیشه‌های رائج جهان آماده و فراهم شود؛ این کار حوزه‌هاست. با اجتهاد، این کار عملی است" (همان: ۱۳۸۹/۰۷/۲۹).

مقام معظم رهبری در سال ۱۳۷۹ نیز در جمع روحانیون و فضایی حوزه علمیه قم در فیضیه در پاسخ به این سؤال که نقش آفرینان تمدن اسلامی چه کسانی هستند، ناظر به همین حقیقت، علمای دین را دارای محوری ترین نقش دانسته و فرمودند:

سوط خرد و تاثیر آن در جریان سازی کلان تأکید دارند. به عنوان نمونه، ایشان حرکت خودجوش جوانان دانشجو و دانش آموز در خدمت رسانی به محرومان را مبدأ صدور فرمان امام خمینی (ره) در تشکیل جهاد سازندگی برشمرده و می‌فرمایند:

"این کار، اول از خود جوان‌ها شروع شد؛ خود جوان‌های دانشجو و دانش آموز در بخش‌های مختلف، این حرکت را شروع کردند؛ در سال ۷۹ گزارش این حرکت زیبا و پرشکوه به ما رسید و منجر شد به اینکه پیام بسیج سازندگی به قاطبه جوانان کشور داده شود. یعنی این یک حرکت خودجوش مردمی است؛ درست مثل جهاد سازندگی در آغاز انقلاب. جهاد سازندگی هم همین جور بود؛ اول، خود جوان‌ها شروع کردند، خودشان رفتند توی روستاها مشغول خدمت‌گزاری شدند در آن اوضاع بسیار دشوار و پیچیده. این حرکت، امام بزرگوار را به فرمان جهاد سازندگی تشویق کرد. کار مردم، الهام بخش اقدام مدیران و مسئولان است" (همان: ۱۳۸۹/۰۶/۳۱).

ایشان در نمونه‌ای دیگر با اشاره به فعالیت‌های فرهنگی خودجوش، آن را دارای نقشی برجسته در پیشرفت کشور و ایستادگی در مقابل دشمنان ارزیابی می‌نمایند (همان: ۱۳۹۳/۰۱/۰۱).

د) شکل‌گیری جامعه و کشور اسلامی

مرحله چهارم شکل‌گیری جامعه و کشور اسلامی است. به گونه‌ای که مقررات و روابط مسئولان و مردم، به معنای واقعی کلمه، اسلامی شود و کشور نمونه‌ای بر اساس آموزه‌های اسلامی ساخته شود.

"آرمان‌ها چه هستند؟ جزو چیزهایی که بنده اینجا یادداشت کرده‌ام به عنوان آرمان‌ها، یکی مسئله‌ی ایجاد جامعه‌ی اسلامی و تمدن اسلامی است؛ یعنی احیای تفکر اسلام سیاسی؛ یک‌عده‌ای از قرن‌ها پیش، سعی کردند اسلام را از زندگی، از سیاست، از مدیریت جامعه هرچه می‌توانند دور کنند و منحصرش کنند به مسائل شخصی؛ مسائل شخصی را هم یواش یواش محدود کنند به مسائل قبرستان و قبر و مجلس عقد و از این حرف‌ها؛ نه، اسلام آمده است که «أَلَا لِيُطَاعَ بَإِذْنِ اللَّهِ» فقط هم اسلام نیست؛ همه‌ی پیغمبران همین جورند. آدیان الهی آمده‌اند برای اینکه در جامعه پیاده بشوند، در جامعه تحقق واقعی پیدا کنند؛ این باید اتفاق بیفتد. یکی از مهم‌ترین آرمان‌ها این است" (بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان، ۱۳۹۴/۰۴/۲۰).

"جامعه اسلامی جامعه‌ای است که در آن از رده‌های بالای

حکومت تا پایین، خداوند حکومت کند؛ یعنی قوانین خدایی و الهی باشد، تشکیلات و سیستم را دین خداوند به وجود آورد، اقتصاد، سیاست، فرهنگ، حکومت، حقوق، سبک زندگی، روابط اجتماعی و... را همه دین خداوند مشخص کند. در چنین جامعه‌ای انسان سازی صورت می‌گیرد. پیامبر اسلام (ص) وقتی مبعوث شد، فرمود: «بُعِثْتُ لَأَتِمَّ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ!» من برای به کمال رساندن اخلاق برانگیخته شده‌ام؛ بنابراین پیامبر (ص) آمد برای جامعه سازی؛ نوع تفکر پیامبر (ص) این نبود که هر فردی را به گوشه‌ای

نوزدهم و یک خرده قبل، یک خرده بعد تدوین کردند و ارائه دادند؛ خب، این به درد ما نمی‌خورد.

این علوم انسانی، تربیت شده و دانش آموخته خود را آنچنان بار می‌آورد که نگاهش به مسائل مبتلا به آن علم و مورد توجه آن علم - چه حالا اقتصاد باشد، چه مدیریت باشد، چه تعلیم و تربیت باشد - نگاه غیراسلامی است. می‌بینیم همان شخص متدین در داخل دانشگاه که فرض کنید مدیریت یا اقتصاد خوانده، هرچه با او درباره مبانی دینی این مسائل حرف می‌زنیم، به خرجش نمی‌رود. نه اینکه رد می‌کند، نه؛ اما آنچه که شما در باب اقتصاد اسلامی با او حرف می‌زنید، با یافته‌های علمی او، با آن دو دو تا چهارتا‌هایی که او در علم تحصیل کرده، جور در نمی‌آید" (همان: ۱۳۸۹/۰۸/۰۲).

ایشان در ادامه همین موضوع، تاثیر این نظریات را در حوزه علم و فناوری حداقل در جهت گیری علم موثر می‌دانند. ایشان علم بدون اخلاق و معنویت را ابزاری برای هوس‌های نفسانی و استضعاف دیگران می‌دانند (همان: ۱۳۷۲/۰۸/۲۴).

بر این اساس رابطه دو نهاد حوزه علمیه و دانشگاه رابطه‌ای اساسی و خطیر بوده و یکی از اساسی‌ترین و پیچیده‌ترین و عمیق‌ترین مسائل انقلاب است. در این رابطه، علاوه بر اینکه جهت گیری زندگی فردی و اجتماعی تصحیح می‌گردد و احکام متناسب با مسائل روز و حادث شونده به طور عمیق استخراج می‌گردد، زندگی نیز در اثر نوآوری‌های علمی تسهیل می‌گردد (همان: ۱۳۷۷/۰۹/۲۴).

ج) کاربست الگو در عرصه زندگی

گام بعدی در زنجیره اقدام را می‌توان کاربست و عینیت بخشی به الگوهای به دست آمده دانست. بی شک این الگوها می‌باید در بخش‌های مختلف دولت اسلامی به معنای عام آن مورد بهره برداری قرار گیرد و بر این اساس، برنامه ریزی‌ها و اقدامات صورت بگیرد؛ چرا که شکل دهی جامعه اسلامی در مرحله ی پس از نظام اسلامی، بر عهده دولت اسلامی است. مقام معظم رهبری معتقدند که دولت به معنای عام آن باید در تمام شئون خود را با قواعد و قالب‌های اسلامی منطبق کند. ایشان در این باره می‌فرمایند:

"قوای مقننه و قضائیه و مجریه و مسئولان گوناگون ما باید بتوانند تا حد قابل قبولی خود را با این قالب‌ها و معیارهای دینی و اخلاقی اسلامی تطبیق دهند. این مرحله سوم است؛ ما الان در این مرحله قرار گرفته ایم و باید دائم تلاش ما این باشد" (همان: ۱۳۸۰/۰۹/۲۱).

بر این اساس از منظر ایشان با صرف وجود وزراء و نمایندگان و مسئولین خوب در بخش‌های مختلف، دولت اسلامی محقق نمی‌گردد، بلکه لازمه تحقق دولت اسلامی، انطباق دولت با قواعد و چارچوب‌های دینی است (همان: ۱۳۸۴/۰۵/۲۸).

اما در کنار این فرآیند که مدل‌های مستخرج از دو حلقه تولید فکر و نظریه در حوزه و علم در دانشگاه، هم می‌تواند و هم بایستی در ارکان مختلف حاکمیت مورد توجه قرار گرفته و بر آن اساس اقدام صورت گیرد، معظم له همواره به فعالیت‌های مردمی خودجوش در

۱. سوره مبارکه نساء، آیه ۶۴

۸) خلیقات فردی و اجتماعی و فرهنگ کار جمعی قوی شود. فرهنگ رانندگی و نظم در کار رعایت شود. دروغ، غیبت، پرخاشگری و کارگریزی از بین برود و قانون گرایی رواج پیدا کند" (بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی، ۱۳۹۱/۰۷/۲۳). ما به طور کلی در این ۸ مورد و زیرمجموعه‌های آن مشکل داریم و آسیب پذیر هستیم و باید برای داشتن تمدنی نوین موارد رعایت و در جامعه پیاده شود. این گونه می‌توان گفت: هر گاه بخش دوم تمدن نوین اسلامی، یعنی حاکمیت سبک زندگی اسلامی در تمام جامعه، تحقق پیدا کرد به آن کشور اسلامی می‌گوییم (همان، ۱۳۹۱). اگر کشور اسلامی به وجود آمد آن وقت برای مسلمانان عالم الگو و اسوه می‌شویم (همان، ۸۰/۹/۱۲). در این صورت است که تمدن اسلامی به وجود خواهد آمد و فرهنگ اسلامی فضای عمومی بشریت را فرا خواهد گرفت (۸۴/۸/۲۵).

به طور خلاصه با توجه به ظرفیت‌هایی که در بخش قبل گفته شد می‌توان با تلاش، کوشش، مدیریت و رهبری، قسمت اول تمدن‌سازی نوین اسلامی را تحقق بخشید و با اصلاح سبک زندگی اسلامی ایرانی می‌توان قسمت دوم تمدن‌سازی نوین اسلامی را تحقق بخشید.

"هدف، ایجاد یک حاکمیت اسلامی است که بتواند جامعه را به جامعه‌ی مورد نظر و آرمانی اسلام تبدیل بکند؛ ما دنبال این هستیم دیگر، ما می‌خواهیم کشور خودمان -در درجه‌ی اول، حالا بحث کشورهای دیگر و مسائل بین‌المللی و جهانی را نمی‌کنیم- یک کشوری بشود که به آن خطوط آرمانی اسلام برسد، که این خطوط آرمانی یک چیز مطلوب و شیرینی برای هر انسان متفکری است؛ یعنی هر کسی که بنشیند فکر کند، مطالعه کند، از این وضع آرمانی جامعه‌ی اسلامی لذت می‌برد؛ جامعه‌ای که در آن، هم علم هست، هم پیشرفت هست، هم عزت هست، هم عدالت هست، هم قدرت مقابله‌ی با امواج جهانی هست، هم ثروت هست؛ یک تصویر این‌جوری؛ ما به این می‌گوییم تمدن نوین اسلامی، می‌خواهیم کشورمان به اینجا برسد" (بیانات در دیدار رؤسای دانشگاه‌ها، پژوهشگاه‌ها، مراکز رشد و پارک‌های علم و فناوری، ۱۳۹۴/۰۸/۲۰).

ایشان با بیان اینکه "حج یک فریضه‌ی استثنائی است. در حج مجموعه‌ای از ارزش‌های اسلامی جمع شده است که در هیچ واجب دیگری، در هیچ فریضه‌ی دیگری این همه خصوصیت از خصوصیات مورد تمجید اسلام و مورد تعریض اسلام وجود ندارد"، حج را یک نمودار کوچکی از جامعه‌ی اسلامی برتر و در واقع یک نمونه‌ای از آن چیزی که ما در تمدن اسلامی، مورد نظر داریم، می‌دانند و می‌فرمایند: "تمدن اسلامی، این را باید به بشریت اهدا کند. در تمدن نوین اسلامی، معنویت در کنار مادیت، عروج اخلاقی و معنوی و روحی و تضرع و خشوع، در کنار پیشرفت زندگی مادی است؛ حج مظهر یک چنین تمدنی است" (بیانات در دیدار کارگزاران حج، ۱۳۹۸/۰۴/۱۲).

مسئله‌ی مهم دیگری که از بنیانی‌ترین و اساسی‌ترین ارکان هر نظام و حکومت است مسئله رویش‌ها و ریزش‌ها است. مقام معظم رهبری در زمینه رویش‌ها و ریزش‌ها در نظام مقدس جمهوری

ببرد و نصیحت کند و ارشاد کند، بلکه تفکر پیامبر(ص) این بود که جامعه‌ای بسازد و از بالا تا پایین این جامعه قوانین الهی را استوار کند و تمامی افرادی که در این جامعه تنفس می‌کنند را به طور کلی (و نه فرد به فرد) با قوانین الهی آشنا کند و این جامعه انسان‌سازی کند و کسانی که در آن زندگی می‌کنند یا انسان می‌شوند یا مجبورند طبق قوانین الهی و انسانی برخورد کنند. برعکس در جامعه آزاد یا لیبرالی هر کسی هر چیزی تشخیص دهد برایش لذت آور است انجام می‌دهد و آزادی دارد. در این جامعه نمی‌توان زندگی سالم داشت؛ زیرا مجبور می‌شوی گاهی حیا را زیر پا بگذاری، مجبور می‌شوی گاهی ربا بخوری، گاهی به خاطر فشارها مجبور هستی هر کاری را که اعتقاد به آن نداری را انجام دهی، زیرا قانون اقتضا می‌کند که سالم زندگی نکنی. اما در جامعه اسلامی مجبور هستی انجام ندهی و این است که انسان‌سازی می‌شود. در جامعه اسلامی تمام مبانی دین اسلام پیاده می‌شود و آرزوهای اسلام که برای بشر داشته تحقق پیدا می‌کند. در بخش گذشته وظایف دولت اسلامی در برابر تمدن‌سازی بیان شد و در این بخش آسیب شناسی و وظایف مردم در سبک زندگی (بخش نرم افزاری تمدن‌سازی نوین اسلامی) باید تحقق پیدا کند؛ زیرا مردم بخش اعظم جامعه اسلامی هستند.

به طور کلی وظایف مردم در ۸ بخش مهم که در روایات نیز بسیار به آنها اشاره شده، سامان می‌یابد که باید برای تمدن‌سازی بدان عمل کنند و خود را به این حالت نزدیک کنند؛ زیرا تا به این حالات نزدیک نشوند پیشرفت نمی‌کنند:

۱) فکر و اندیشه سالم، تفکر و اندیشه در تمامی مراحل، جزئیات و کلیات زندگی. نباید ایده‌های افراد در حد رؤیا بماند.
۲) خانواده سالم، کرامت، عزت و وظایف اجتماعی زن مشخص شود، علت طلاق‌ها مشخص و سعی در کاهش آن باشد، صلح رحم افزایش پیدا کند، حد صحیح زاد و ولد مشخص شود، حق همسر و فرزندان رعایت شود، تربیت فرزند اسلامی و سالم باشد.

۳) پوشش و آرایش سالم و نوع و طراحی لباس مناسب فرهنگ ایرانی اسلامی باشد و نوع آرایش زنان و مردان مناسب فرهنگ و دین مردم باشد.

۴) الگوی رفتاری و تفریح سالم مشخص و عمل گردد. سعی در آسیب شناسی مواد مخدر و جلوگیری از آن شود. نوع برخورد در جامعه صحیح باشد.

۵) کسب و کار، ساعات کار مفید افزایش پیدا کند. کیفیت کار بیشتر از کمیت آن مد نظر باشد و کمیت کار پس از کیفیت بهتر شود. محکم کاری در کسب و کار باشد، ریشه ربا و واسطه بازی خشکیده شود.

۶) الگوی مصرف، مصرف گرایی و تجمل گرایی کنترل شود. صرفه جویی و نبود اسراف در مصرف. اشرافی‌گری در جامعه ریشه کن گردد.

۷) زندگی شهری و روابط همسایگی اصلاح شود. فرهنگ آپارتمان نشینی اصلاح شود. نوع معماری‌ها و شهرسازی‌ها مناسب و عقلانی باشد.

سکولاریزه و محافظه کار شوید" (خطبه‌های نماز جمعه تهران + ترجمه خطبه عربی، ۱۴/۱۱/۱۳۹۰).

ه) ایجاد تمدن اسلامی

مرحله پنجم شکل‌گیری امت اسلامی و تمدن بین‌الملل اسلامی است. جهت و رویکرد کلی انقلاب تحقق تمدن اسلامی است. با وجود آمدن جامعه اسلامی و کشور اسلامی زمینه برای ایجاد امت اسلامی فراهم می‌شود. از منظر رهبر معظم انقلاب اسلامی *مدظله‌العالی* عوامل تشکیل دهنده تمدن اسلامی ایمان به خدا و احکام الهی، اخلاص، تقوای فردی و اجتماعی امت اسلامی و... است (بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، آیت‌اله خامنه‌ای، ۱۳۸۴).

یکی از اساسی‌ترین روش‌ها در جهت بالا بردن ارتباط بین مسلمانان که زمینه مهم برای تمدن نوین اسلامی است، یافتن مشترکات بین کشورهای اسلامی هست. مسلمانان و کشورهای اسلامی دارای مشترکات فراوانی در تاریخ، فرهنگ، دین، منابع و منافع دشمن و هستند، از این رو علایق و پایبندی به این مشترکات موجب افزایش میزان همبستگی و همگرایی بین مسلمانان و کشورهای اسلامی می‌گردد. اگر مسلمانان به مشترکات موجود در بین امت اسلامی توجه داشته باشند به راحتی می‌توانند از مشکلات امروزی خلاص شوند و تمدن خویش را بار دیگر بازسازی و توسعه دهند و تمدن نوین اسلامی را خلق کنند.

"انقلاب به یک انحطاط تاریخی طولانی پایان داد و کشور که در دوران پهلوی و قاجار بشدت تحقیر شده و بشدت عقب مانده بود، در مسیر پیشرفت سریع قرار گرفت؛ در گام نخست، رژیم ننگین سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل کرد و عنصر اراده‌ی ملی را که جان‌مایه‌ی پیشرفت همه‌جانبه و حقیقی است در کانون مدیریت کشور وارد کرد؛ آنگاه جوانان را میدان‌دار اصلی حوادث و وارد عرصه‌ی مدیریت کرد؛ روحیه و باور «ما می‌توانیم» را به همگان منتقل کرد؛ به برکت تحریم دشمنان، اتکاء به توانایی داخلی را به همه آموخت و این منشأ برکات بزرگ شد؛

ثانیاً: موتور پیشران کشور در عرصه‌ی علم و فناوری و ایجاد زیرساخت‌های حیاتی و اقتصادی و عمرانی شد که تا اکنون ثمرات بالنده‌ی آن روزبه‌روز فراگیرتر می‌شود. هزاران شرکت دانش‌بنیان، هزاران طرح زیرساختی و ضروری برای کشور در حوزه‌های عمران و حمل‌ونقل و صنعت و نیرو و معدن و سلامت و کشاورزی و آب و غیره، میلیون‌ها تحصیل‌کرده‌ی دانشگاهی یا در حال تحصیل، هزاران واحد دانشگاهی در سراسر کشور، ده‌ها طرح بزرگ از قبیل چرخه‌ی سوخت هسته‌ای، سلول‌های بنیادی، فناوری نانو، زیست‌فناوری و غیره با رتبه‌های نخستین در کل جهان، شصت برابر شدن صادرات غیرنفتی، نزدیک به ده برابر شدن واحدهای صنعتی، ده‌ها برابر شدن صنایع از نظر کیفی، تبدیل صنعت مونتاژ به فناوری بومی، برجستگی محسوس در رشته‌های گوناگون مهندسی از جمله در صنایع دفاعی، درخشش در رشته‌های مهم و حساس پزشکی و جایگاه مرجعیت در آن و ده‌ها نمونه‌ی دیگر از پیشرفت، محصول آن روحیه و آن حضور و آن احساس جمعی است که انقلاب برای کشور به ارمغان آورد. ایران پیش از انقلاب، در تولید علم و فناوری

اسلامی بسیار حساس بوده و آنرا یکی از مهم‌ترین و اساسی‌ترین مسائل می‌دانند. ایشان هر حرکت و انقلابی را در عالم که رویش‌های نوین و پی در پی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا می‌دانند و می‌فرمایند:

"مسئله‌ی رویش‌های نو به نو در نظام جمهوری اسلامی، یکی از اساسی‌ترین و مهم‌ترین مسائل است. اگر هر انقلابی و هر حرکت و نهضتی در عالم، رویش‌های نوین و پی‌درپی نداشته باشد، محکوم به زوال و فنا است. جمهوری اسلامی در طول این ۳۵ سال توانسته است در هر برهه‌ای از خود جلوه‌ای نو و متناسب با نیاز، بروز بدهد. افرادی نگران ریزش‌ها بودند؛ گفته شد رویش‌ها بر ریزش‌ها غلبه خواهند کرد؛ و همین شد. آنچه مهم است این است که نگاه نسل نو و همه‌ی کسانی که نیروی جوانی را در خدمت به اهداف و آرمان‌های بلند می‌خواهند، باید به آینده‌های روشن و دور باشد - فقط جلوی پای خودمان را نینیم - آینده‌ی دور، ایجاد تمدن اسلامی است؛ تمدن نوین، متناسب با نیازها و ظرفیت‌های امروز بشریتی که از حوادث گوناگون قرن‌های اخیر زخم خورده است، مجروح است، غمگین است و نسل‌های جوان آن دچار یأس و نومیدی و افسردگی‌اند. اسلام می‌تواند این نسل‌ها را به آفاق جدیدی برساند، دل‌های آن‌ها را شاد کند و آن‌ها را آن‌چنان که متناسب و شایسته‌ی کرامت انسان است، کرامت ببخشد؛ تمدن نوین اسلامی یعنی این. و شما هسته‌های مهم و اساسی و اصلی در ایجاد این تمدنید. آینده‌ی متعلق به شما است. سازندگان آینده‌ی کشور و آینده‌ی این تمدن و در واقع آینده‌ی جهان، شما جوان‌های امروزید. بخشی از مجموعه‌ی روبه‌رشد رویش‌ها در نظام جمهوری اسلامی در این بخش یعنی در دانشگاه امام‌حسین تحقق پیدا می‌کند. در هر جا هستید؛ چه آن‌هایی که در این دانشگاه‌ها، و چه همه‌ی جوان‌ها در هر نقطه‌ای از کشور که احساس تعهد می‌کنند، می‌توانند نقش‌آفرین باشند (بیانات در دانشگاه افسری و تربیت پاسداری امام حسین علیه‌السلام، ۱۳۹۲/۰۲/۳۱).

"خواست عمومی ملت‌هایتان بازگشت به اسلام است؛ که البته به مفهوم «بازگشت به گذشته» نیست. اگر انقلاب‌ها باذن‌الله واقعی بمانند و ادامه یابند و دچار توطئه یا استحاله نگردند، مسئله‌ی اصلی شما، چگونگی نظام‌سازی، قانون‌نویسی و مدیریت کشور و انقلاب‌ها خواهد بود؛ این همان مسئله‌ی مهم تمدن‌سازی اسلامی مجدد در عصر جدید است.

در این جهاد بزرگ، کار اصلی شما این خواهد بود که چگونه یک تاریخ عقب‌ماندگی و استبداد و بی‌دینی و فقر و وابستگی حاکم بر کشورهایتان را در کوتاه‌ترین زمان‌ها ان‌شاء‌الله جبران کنید و چگونه با رویکرد اسلامی و به شیوه‌ی مردم‌سالارانه و رعایت عقلانیت و علم، جامعه‌سازی کنید و تهدیدهای داخلی و خارجی را یک به یک از سر بگذرانید؛ چگونه «آزادی و حقوق اجتماعی» منهای «لیبرالیسم»، و «برابری» منهای «مارکسیسم»، و «نظم» منهای «فاشیسم غرب» را نهادینه کنید؛ چگونه تقید خویش به شریعت مترقی اسلام را حفظ کنید، بی‌آنکه گرفتار جمود و تحجر شوید؛ چگونه مستقل شوید، بی‌آنکه منزوی شوید؛ چگونه پیشرفت کنید، بی‌آنکه وابسته شوید؛ چگونه مدیریت علمی کنید، بی‌آنکه

صفر بود، در صنعت به جز مونتاز و در علم به جز ترجمه هنری نداشت^۱ (بیانیه «گام دوم انقلاب» خطاب به ملت ایران، ۱۳۹۷/۱۱/۲۲).

تبیین چگونگی نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تاکید بر دیدگاه مقام معظم رهبری:

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب اسلامی که آن را همزمان با چله‌ی دوم انقلاب اسلامی به‌عنوان سند چشم انداز انقلاب اسلامی در چهل سال دوم و پیش رو اعلام کردند، مراحل و گام‌های دستیابی و نیل به تمدن اسلامی بر اساس نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی را به شرح ذیل برشمردند:

۱. آغاز انقلاب اسلامی:

در فضای نظام غیر دینی، انسان اگر خیلی هنر کند فقط می‌تواند به وظایف فردی خود عمل کند که آن وظایف فردی دینی هم در آن شرایط تاثیر لازم را نمی‌گذارد؛ یعنی آن تعالی و نورانیت لازم را بوجود نمی‌آورد. بخش مهمی از آن هدر می‌رود - طبیعی است که فضای محیط بر انسان، با محتویات ذهن انسان اصطکاک دارد - و بخشی از آن اثر می‌کند. این حداکثر چیزی است که در نظامی که دین حاکمیت ندارد و مجاری امور در دست دین خدا و قانون الهی نیست، گیر انسان می‌آید (مقام معظم رهبری، ۱۳۸۰/۹/۲۱). این مرحله که به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی) ضمن سختی‌های آن، نخستین و آسان‌ترین مرحله است. قرن ۱۹ میلادی، قرن مقابله با دین و تحقیر دین بود. در اروپا همه دانشمندان با تکیه بر اومانیزم و عقل‌گرایی و در نهایت سکولاریسم، سعی در حذف و به‌سُخره گرفتن دین کردند که به نمونه‌هایی از آن می‌پردازیم: مکتب نیپلیسم نیچه رشد کرد و گفت: خدا مرده است. نمونه دیگری از دانشمندان ماتریالیسم گفتند: اگر خدا را به زیر تیغ جراحی نیابوریم پس وجود ندارد. داروینیزم رشد کرد و خلقت الهی انسان را زیر سؤال برد. ژان پل سارتر^۲ لائیک، با پایه‌ریزی مکتب اگزیستانسیالیسم که بسیار انسان‌گرا بود، گفت: اگر فلج مادرزاد قهرمان مسابقه دو نشود باید خودش را ملامت کند. لنین می‌گفت: دین افیون، مخدر و تریاک توده‌هاست. هر دانشمند و متفکری با حذف دین شروع به سکولاریزه کردن جامعه کرد و در همان زمان استعمار انگلیس و فرانسه و... کار خود را آغاز کردند. وقتی انگلیس برای استعمار به آسیا آمد شروع به اسلام زدایی کرد؛ زیرا می‌دانست اسلام و تفکر اسلامی مانع خواسته‌هایش می‌شود، از این رو هر توانی داشت برای از بین بردن اسلام و مسلمین به کار گرفت. تغییر در نوع فرهنگ، نوع لباس، مدرنیزه کردن و غربی کردن کشورهای اسلامی، استعمار، بی‌بندوباری و عیش و نوش را تا می‌توانست در این کشورها رواج داد. در ایران رضاخان و محمدرضا شاه و در ترکیه آتاتورک را قرار داد و سعی در از بین بردن دین کرد. برخی گروه‌ها و روشنفکران داخلی نیز بدین موضوع دامن زدند و به انگلیس کمک کردند. اسلام آرام

آرام کنار رفت و به حالت شخصی درآمد و بعدها به عبادات و در نهایت خرافات رسید. حتی تا جایی پیش رفتند که در دوران محمدرضا پهلوی اگر کسی در دانشگاه‌ها اهل نماز بود، مجبور بود مخفیانه بخواند که کسی او را نبیند، زیرا مسخره می‌شد! الیناسیون^۳ (از خودبیگانگی) و هویت‌زدایی از انسان نیز در حال رواج بود و همه چیز حتی انسان در حال تبدیل شدن به ماشین بود. در این حال بود که انقلاب اسلامی با آمدنش، به لطف خداوند، روح تازه‌ای در کالبد جامعه دمید و دینی که در حال مردن بود را احیا کرد و نقشه‌های غرب را نقش بر آب کرد. تمامی کسانی که دین را مسخره می‌کردند، دیدند که دین مردم را به حرکت درآورد و معلوم شد دین هنوز هم قویترین عامل حرکت انسان‌هاست. در این دوره بود که نماز خواندن، اسلام داشتن و مسلمان بودن افتخار شد و تمام ملت‌های دنیای اسلام به این حرکت افتخار کردند و امیدوار شدند. اگر انقلاب اسلامی جز همین مورد هیچ کار دیگری در پرونده خود نداشته باشد، برای او کافی است! پیغمبر اسلام نیز زمانی که شروع به کار کرد در عربستان انقلابی به پا کرد تا توانست اسلام را پیاده کند، و گرنه فرد به فرد نمی‌شد کسی را به سمت اسلام آورد. بنابراین با انقلاب اسلامی نخستین مرحله از زنجیره تمدن‌سازی را گذرانده ایم. حال پس از انقلاب نخستین کار ساخت نظامی اسلامی است؛ یعنی باید شکل کلی حکومت، اسلامی باشد. تغییر ارزش‌ها، عبودیت خدا، کار برای خدا، دنیاشناسی، پیشرفت و تعالی در محور حرکت انقلابی ملت مسلمان ایران بود. هدف انقلاب آماده سازی محیط برای ایجاد نظام جدید، تغییر ارزش‌ها، اصلاح مفاسد، محور شدن عدالت، استقرار شریعت اسلامی، رفع سلطه بیگانه، ایجاد نظام بر اساس اندیشه و تفکر اسلام بوده است.

ب. تشکیل نظام اسلامی:

حلقه پس از حرکت انقلابی و پیروزی ملت ایران بر رژیم طاغوت، شکل‌گیری نظام اسلامی مورد توجه بود به این معنا که پس از پیروزی انقلاب، نظامی اسلامی در کشور برپا شود. به تعبیر رهبر معظم انقلاب اسلامی (مدظله‌العالی)، شاکله عمومی جامعه، اسلامی شود. در نظام اسلامی، (مردم سالاری دینی)، مردم انتخاب می‌کنند، مردم تصمیم می‌گیرند و سرنوشت اداره کشور را به وسیله منتخبان خودشان در اختیار دارند، اما این خواست و انتخاب در سایه هدایت الهی، هرگز به بیرون جاده صلاح و فلاح راه نمی‌برد و از صراط مستقیم خارج نمی‌شود. نظام اسلامی یعنی نظم و ترتیب موجود در یک بخش اسلامی باشد. نظام اسلامی یعنی طرح مهندسی و شکل کلی اسلامی را در جایی پیاده کردن (مقام معظم رهبری، ۹۷/۹/۲۱). یعنی هندسه عمومی جامعه، اسلامی شود. نظام اسلامی ویژگی‌هایی دارد که برخی از آن‌ها عبارتند از:

۱. حاکمیت خداوند بر مردم؛ یعنی حاکم خداوند است و قوانین الهی در جامعه پیاده شود؛

^۲. Social alienation

^۱. Jean-Paul Sartre

کارگزاران دولت اسلامی را باید از نامه ۵۳ نهج البلاغه به مالک اشتر بیرون آورد که مهم ترین سند حکومتی کارگزاران است. البته در این پژوهش تنها به بیان شاخصه‌ها و بایدهایی می‌پردازیم که کارگزاران باید به آن عمل کنند تا مسیر عمومی کشور در جهت نیل به تمدن نوین اسلامی هموارتر گردد؛ این شاخصه‌ها شامل: حق طلبی، عدالت محوری، شجاعت و ابزارانگاری قدرت، سلامت اعتقادی و تقوای سیاسی، سلامت اخلاقی و کرامت انسانی، کار جهادی و مردم گرایی، صلح مداری و عهدمندی، سلامت اقتصادی و قانون گرایی هستند؛

نبایده‌های مسئولان دولت اسلامی نیز این گونه باید باشد: رشوه، فساد اداری و اقتصادی، ویژه خواری، کم کاری، بی‌اعتنایی به مردم، اشرافی گری، از بین بردن بیت المال و به طور کلی برعکس آنچه در بایدها آمده است. مقام معظم رهبری در این زمینه می‌فرماید: "مسئولان و دولتمردان باید خودشان را با ضوابط و شرایطی که متعلق به یک مسئول دولت اسلامی است تطبیق بدهند یا چنان افرادی اگر هستند سرکار بیایند و یا اگر ناقصند خودشان را به سمت کمال در آن جهت حرکت دهند و پیش ببرند؛" این گونه اول ما مسئولان اسلامی می‌شویم و وقتی اسلامی شدیم آن وقت عمل ما مردم را مسلمان واقعی خواهد کرد و کشور اسلامی خواهد شد؛ یعنی دولت اسلامی می‌تواند کشور اسلامی به وجود بیاورد (مقام معظم رهبری، ۹۷/۹/۲۱).

نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف نظریه تربیتی تمدن ساز اسلامی با تأکید بر دیدگاه رهبری انجام گرفت. مقام معظم رهبری در تعریفی کلی، شاخصه تمدن اسلامی را بهره‌مندی انسان‌ها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی می‌داند که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. از جمله شاخصه‌های تمدن اسلامی که اندیشمندان و مورخان اسلامی در تاریخ اسلام بیان کردند و مقام معظم رهبری به شیوه منسجم‌تری درباره آن‌ها سخن گفتند، عبارت‌اند از محوریت قوانین قرآنی، خردورزی، علم، اخلاق، مجاهدت در راه خدا، حکومت مردمی، پرهیز از تحجر، ایجاد رفاه عمومی، استقرار عدالت، دوری از اقتصاد مبتنی بر ربا و تکاثر. اما معظم له با درایت خویش و با درک مقتضیات زمان، مسأله تمدن نوین اسلامی را با مؤلفه‌های جدیدی مانند ابتکار و خلاقیت، توجه به رسانه‌های مدرن، هنر، سینما، بهبود روابط بین‌الملل و صدور احکام فقهی متناسب با نیازهای جدید بشری را مطرح نمودند تا تمدن اسلامی پویا شود و در رقابت با دنیای مدرن غرب باقی بماند و پویایی خود را حفظ کند. به اعتقاد معظم له گسترش تمدن نوین اسلامی به همت و خرد دسته‌جمعی نیاز دارد که در سایه وحدت، انضباط، کار، تلاش، ایمان به خدا، خلاقیت، عقلانیت، توانایی علمی و داشتن رسانه‌های قوی به وجود می‌آید.

در منابع مربوط به تاریخ اسلام مانند «تاریخ طبری»، «الکامل»، «تاریخ ابن خلدون» و غیره به طور پراکنده درباره دستاوردهای تمدن اسلامی بحث شده است. در کتاب‌های پژوهشی مانند «تاریخ

۲. ابلاغ قوانین خداوند توسط پیامبر و پس از پیامبر توسط امام معصوم و پس از امام معصوم در دوران غیبت، توسط فقیه دین شناس و عادل و آگاه به زمانه (ولی فقیه)؛

۳. جهان بینی در نظام اسلامی توحیدی است. در این نوع جهان بینی فاصله طبقاتی وجود ندارد؛

۴. نظارت کامل بر تمامی بخش‌ها که از اسلامیت دور نشوند؛

۵. مردم سالاری دینی در نظام.

این پنج مورد از مهم ترین ویژگی‌های یک نظام کلی اسلامی هستند که باید پیاده شوند تا اگر کسی خواست از آن سوی دنیا نظری بدهد، بداند نوع نظام فلان کشور اسلامی است. پس از ساخت نظام اسلامی نیاز است که تمامی کارگزاران نظام اسلامی، معیارهای خود را اسلامی کنند که به مجموعه کارگزاران و عوامل اجرایی، دولت می‌گویند (مقام معظم رهبری، ۹۷/۹/۲۱):

"ما امروز در زمینه‌ی مسائل سیاسی، «مردم‌سالاری دینی» را عرضه می‌کنیم؛ در زمینه‌ی مسائل عمومی اجتماعی، «ابتناء تمدن بر معنویت» را ارائه می‌کنیم؛ در زمینه‌های گوناگون، «کرامت انسان» را مطرح می‌کنیم؛ «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح می‌کنیم. اینها حرف نوئی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته؛ حتی قبل از دوران مادی‌گری و اومانیسیم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم اینجور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد" (بیانات در دیدار اساتید دانشگاه‌ها، ۲۲/۰۵/۱۳۹۱).

نظام‌سازی کار بزرگ و اصلی شما است. این کاری پیچیده و دشوار است. نگذارید الگوهای لائیک یا لیبرالیسم غربی، یا ناسیونالیسم افراطی، یا گرایش‌های چپ مارکسیستی، خود را بر شما تحمیل کند. اردوگاه شرق چپ فرو ریخت و بلوک غرب فقط با خشونت و جنگ و خدعه بر سر پا مانده و عاقبت خیری برای آن متصور نیست. گذشت زمان به زیان آنها و به سود جریان اسلام است. هدف نهائی را باید امت واحده‌ی اسلامی و ایجاد تمدن اسلامی جدید بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد."

به طور کلی تاسیس نظام اسلامی را می‌توان از ۱۲ فروردین ۱۳۵۸ تا ۱۲ آذر ۱۳۵۸ که به همه پرسى قانون اساسی منجر شد نامید که طی آن "هندسی عمومی جامعه" شکل گرفت. به عبارتی ما در این مرحله شاهد شکل‌گیری نظام اسلامی هستیم. این مرحله و تثبیت آن و البته متمم نظام‌سازی تا پایان جنگ تحمیلی ادامه می‌یابد" (بیانات در اجلاس بین‌المللی بیداری اسلامی، ۲۶/۰۶/۱۳۹۰).

ت. ایجاد و تشکیل دولت اسلامی:

مرحله سوم ایجاد دولت اسلامی است، به گونه‌ای که منش و روش دولت‌مردان و ساز و کارها و نهادسازی برای اداره کشور مبتنی بر اسلام آماده شود (مقام معظم رهبری، ۱۳۷۹/۹/۱۲). دولت در کشور یعنی تمامی کارگزاران شامل: رئیس‌جمهور، معاونان، مشاوران، وزرا، استانداران، فرمانداران، شهرداران و کارمندان و... و دولت اسلامی یعنی کارگزاران نظام اسلامی باید جهت‌گیری‌ها و رفتارشان را با معیارهای اسلامی تطبیق دهند تا بتوانند به اهداف برسند (مقام معظم رهبری، ۸۴/۶/۸). مهم ترین شاخصه‌های

علم‌گرایی، اخلاق، عقلانیت، عدالت، وحدت‌گرایی، پیشرفت، مجاهدت مداوم و پویایی فرهنگ. با بررسی اندیشه‌های مقام معظم رهبری از دیدگاه تربیتی می‌توان گفت که ایشان دو بعد برای تمدن نوین اسلامی قائل هستند: یکی بعد قدرت و نظامات پیشرفته با هدف کارایی استفاده بهینه از منابع، و بعد دیگر معنویت که می‌توان آن را معادل اثربخشی رسیدن به هدف دانست؛ چرا که ما قویاً معتقد هستیم در کارهای مختلف، هدف نهایی باید کسب رضای خداوند باشد.

مرور پژوهش‌های مختلف هم، چنین نتیجه‌گیری را منطقی می‌داند و با تحقیقات گذشته در زمینه تمدن نوین اسلامی هم‌راستا است. براینده تحقیق، نشانگر تحقق وعده حتمی الهی (پیروزی اسلام و احیای تمدن اسلامی) است. تمدنی که تجلی هماهنگ اصول‌گرایی و خلاقیت، عقلانیت و معنویت، ارزش و معرفت، اخلاق و قدرت، تعالی و قداست است. لذا، هدف نهایی را باید امت واحده‌ی اسلامی و احیای تمدن اسلامی بر پایه‌ی دین و عقلانیت و علم و اخلاق، قرار داد.

پیشنهادات

با توجه به نتایج پژوهش پیشنهادهای زیر ارائه می‌شود: بیانیه «گام دوم انقلاب» تجدید مطلق است خطاب به ملت ایران و به ویژه جوانان که به مثابه منشوری برای «دومین مرحله خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» خواهد بود و فصل جدید زندگی جمهوری اسلامی را رقم خواهد زد. به عبارت دیگر، انقلاب وارد دومین مرحله خود شده است که تمدن‌سازی اسلامی در آن مورد اهمیت واقع شده است. لذا در گام دوم انقلاب باید به سمت تعالی این تمدن حرکت کرد و لازمه تعالی در تمدن، شناخت صحیح آن است. از همین رو اسناد بالادستی کشور، هر کدام مأموریت‌هایی را برای نظام تعلیم و تربیت مشخص کرده‌اند که عمل به آن منجر به تعالی مؤلفه‌های (تمدن‌سازی) در فراگیران شده و به تبع آن به جامعه‌های تمدن‌ساز با رویکرد اسلامی منجر می‌شود.

در همین راستا، برخی از اسناد بالادستی مانند قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ و نقشه جامع علمی کشور، در کنار پرداختن به ابعاد مختلف جامعه، مأموریت‌هایی را برای نظام تربیتی مشخص کرده‌اند و برخی دیگر از اسناد بالادستی که مختص نظام تربیتی هستند؛ مانند سند تحول بنیادین آموزش و پرورش (۳۱)، سند برنامه درسی ملی (۳۲)، سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش (ابلاغی مقام معظم رهبری، ۱۳۹۲)، مصوبات شورای عالی آموزش و پرورش، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی در مورد نظام آموزش و پرورش، مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد نظام آموزش و پرورش، مستقیماً به منظور ارتقای نظام آموزشی طراحی شده‌اند. از همین رو، بهره‌گیری از آموزه‌های این اسناد تحولی که مبتنی بر دین مبین اسلام است در نظام تربیتی، موجب تعالی مؤلفه‌های تمدن‌ساز اسلامی در فراگیران شده و افزون بر آن، فراگیرانی را تربیت می‌کند که خود در عرصه تمدن‌سازی اسلامی، ایفای نقش خواهند کرد.

براساس الگوی مبتنی بر سخنان ارزشمند و گهربار مقام معظم رهبریانقلاب اسلامی، می‌توان شرایط و الزامات فرهنگی و

فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف جان احمدی، «فرهنگ و تمدن اسلامی» تألیف ولایتی و غیره مطالب فراوانی نوشته شده است. در برخی از کتب مذکور درباره بیداری اسلامی در ایران از دیدگاه شخصیت‌های سیاسی - مذهبی از جمله امام خمینی (ره) صحبت شده است؛ ولی بر اساس مطالعات نظام‌مند تاکنون مقاله، پایان‌نامه و کتابی درباره شاخصه‌های تمدن نوین اسلامی در اندیشه مقام معظم رهبری تألیف نشده است. از این رو، در پژوهش حاضر این موضوع مورد توجه قرار گرفته است.

نگاه گذرا به شرایط و مؤلفه‌های تمدن به طور عام و تمدن اسلامی به طور خاص، بیداری و احیای تمدن اسلامی از نظر مقام معظم رهبری، مورد اهتمام تحقیق حاضر است. پویایی ماهیت اسلام، تجربه انقلاب اسلامی عصر نبوی، شکل‌گیری تمدن عظیم اسلامی در مدینه النبی (ص)، آرمان‌گرایی و قانون‌مندی تمدن اسلامی، احساس ارزشمند بازگشت به اسلام و ارزش‌های دینی، پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام خمینی «ره»، همه نوید بخش پیروزی اسلام و احیای تمدن اسلامی‌اند.

از دیدگاه ایشان، بازگشت حقیقی به قرآن و اقتدا به سنت رسول الله (ص) و ائمه اطهار، الهام بخش بیداری اسلامی و شرط بنیادین احیای تمدن اسلامی است. چرا که شرایط و مؤلفه‌های تمدن (نظام ارزشی، رهبری، حاکمیت مقتدر الهی، قانون‌مداری، شهر نشینی، نهادهای سیاسی و اجتماعی) باید از قرآن و سنت الهام بگیرند. اهتمام به وحدت جهانی، نظام‌سازی، بازخوانی اصول انقلابی، آسیب‌شناسی و مبارزه با آفات بیداری اسلامی، جزء اولویت‌های کاری بیدارگران در راستای تأمین اهداف و مصالح امت اسلامی است. بدین ترتیب، احیای تمدن اسلامی در دوران معاصر از مسائل حساس و سرنوشت‌ساز جهان اسلام است. این مسئله، با در نظر داشت روند پر شتاب بیداری اسلامی به مثابه مهم‌ترین تحول اجتماعی - سیاسی معاصر، اهمیت دوچندان می‌یابد.

اندیشه تمدنی حضرت آیت‌الله خامنه‌ای از یک سو، در رهگذر اتصال میان عرصه نظر و عمل و بر بستر تحلیل تاریخی تجربه تمدنی صدر اسلام، تجربه تمدنی غرب و نیز تجربه تطور و حضور تشیع در عرصه حکومت در سده‌های اخیر است و از سوی دیگر، بر توانمندی‌های فقهی و فلسفی و منصب‌های حکومتی ایشان پایه - گذاری شده است و این اندیشه تمدنی، در درون تجربه انقلاب و جمهوری اسلامی ایران در عصر حاضر، تکوین می‌یابد. در اندیشه ایشان، تمدن نوین اسلامی؛ غایت حرکت و چشم‌انداز مشترک امت اسلامی در سطح کلان و الگوی زندگی در جوامع اسلامی در سطح خرد است. درباره چگونگی دستیابی به تمدن اسلامی، در نظریه ایشان که با سیر تکوین جمهوری اسلامی ایران گره خورده است، فرآیندی قابل‌شناسایی است که در آن انقلاب، نظام‌سازی، دول‌سازی و جامعه‌سازی، مقدمه دستیابی به تمدن نوین اسلامی دانسته می‌شود. گذار از هر مرحله به مرحله بعدی در گرو الزاماتی است که دستیابی به تمدن نوین اسلامی با آن‌ها معنا می‌یابد.

در پژوهش حاضر با تحلیل فرمایشات مقام معظم رهبری (مدظله العالی)، می‌توان مؤلفه‌هایی را برای تمدن‌سازی نوین اسلامی احصا نمود و آن را بهتر شناخت. اهم این مؤلفه‌ها عبارتند از: معنویت،

11. Makarem Shirazi, Nasser (2007), *The Message of the Quran*, Islamic Library, Tehran, 2007, Print: Ninth, Vol. 1, p. 213.
12. National Curriculum Document of the Islamic Republic of Iran. (2012), Tehran: Secretariat of the Higher Education Council.
13. Tabatabai, Mohammad Hussein (1374), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Volumes 3 and 14, translated by Mousavi Hamedani - Seyyed Mohammad Baqir, fifth edition, Qom: Islamic Publications Office of Qom Seminary Teachers Association.
14. Motahari, Morteza (2004), *Education in Islam*, forty-first edition, Tehran, Sadra.
15. Imam Khomeini (RA), Seyyed Ruhollah, (1998), *Sharh Chehel Hadith*, Tehran, Institute for Organizing and Publishing the Works of Imam Khomeini (RA).
16. Bagheri, Khosrow (2010), *The optimal model of education in the Islamic Republic of Iran*, Tehran, Educational Research and Planning Organization.
17. Document of fundamental transformation of education. (2011), Tehran: Secretariat of the Higher Education Council.
18. Hashemi, Seyed Hossein (2009), *What and Objectives of Education*, Quranic Research 2009, No. 59 and 60, Special Issue of Quran and Philosophy of Education.
19. Rafiei, Behrooz. (1396), *The views of Muslim scholars in education and its basics*, second edition, Bija, Sobhan Printing Institute.
20. Moeinipour, Massoud and Reza Lakzaei, (2012), *The Pillars of a Unified Nation and Islamic Civilization from the Perspective of Imam Khomeini (RA) and the Supreme Leader "*, Quarterly Journal of Islamic Revolution Studies, Year 9, No. 28.
21. Akbari, Morteza, (2012), *An Introduction to Education in Islam and Iran*. Ilam: The essence of life.

اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و بعد معنوی و رفتاری پیشرفت را که موجب پیشرفت همه جانبه نظام اسلامی ایران می شود در جامعه اجرا کرد. لذا مسئولین و مردم از هر قشری وظیفه دارند که هر یک از این شرایط و الزامات را ابتدایا بشناسند و بر اساس حوزه وظایف و اختیارات خود هر کدام را به منصفه ظهور برسانند و اجرایی کنند.

References

1. Velayati, Ali Akbar, 2003, *The Dynamics of Islamic and Iranian Culture and Civilization (from Genesis to Prosperity)*. Tehran: Ministry of Foreign Affairs Publications.
2. Khamenei, Seyed Ali. (2013), *General policies for creating change in the education system*, 10/02/2013.
3. Khamenei, Seyyed Ali, *Collection of Statements*. (Taken from the site, www.khamenei.ir).
4. Ghaffari Hashjin, Zahid and Nasser Khaki, Hassan. (2016), *Backgrounds and Necessities of the Realization of the New Islamic Civilization from the Perspective of the Civilizations of the 19th Period*, No. 75.
5. Dibai Saber, Mohsen (2017), *Explaining the components of the new Islamic civilization considered by the Supreme Leader and analyzing its position in the upstream documents of education in Iran*, Shahed University, the third national conference on the new Islamic civilization.
6. Spiritual, the Prophet of God. (2015), *The Perspective of the Discourse of Islamic Civilization in the Thought of the Supreme Leader*, Basij Strategic Studies, Volume 46, Issue 64, Winter.
7. Javadi Amoli, Abdullah (2002), *Tafsir Tasnim*, third edition, Qom, Esraa Publishing.
8. *Introduction to the Islamic Arab Summit*, Al-Awi Al-Arabi Magazine.
9. Al-Khatib, Bah'u'll .h
10. Sarukhani, Baqir (1373), *Research Methods in Social Sciences*, Tehran, Institute of Humanities and Cultural Studies, Second Edition, Vol. 1, pp. 524-513.

32. National Curriculum Document of the Islamic Republic of Iran. (2012), Tehran: Secretariat of the Higher Education Council.
22. Bukhari, Abu Abdullah Muhammad ibn Ismail ibn Ibrahim, (1981), *Sahih Bukhari*, Volume 1, Turkey: Contemporary Istanbul Publications.
23. Faizakashani, Mohammad Hassan Ibn Al-Shah Morteza, (1361), *Kitab al-Alam* (The value of knowledge and scientist in Islam), translated by Assadullah Naseh, Bina.
24. Harrani, Sheikh Abu Mohammad, (2008), *The Gift of the Minds to the Prophet*, translated by Sadegh Hassanzadeh, tenth edition, Qom: Al-Ali Publications.
25. Tabarsi, Fadl Ibn Hassan, (1360), *Al-Abyan Association in the Interpretation of the Qur'an*, Volume 17, Translators, Research: Reza Sotoudeh, Tehran: Farahani.
26. Ibn Kathir, Ismail Amr, (1419 AH), *Tafsir Al-Quran Al-Azeem*, Volume 6, Research: Mohammad Hussein Shamsuddin, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.
27. Al-Wasi, Sayyid Mahmud, (1415 AH), *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*, Volume 10, Research: Ali Abdul Bari Atiyah, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Almiyeh.
28. Morvati, Sohrab and Fereshteh Darabi, (2013), *An Analysis of Individual Barriers to Creativity in the Islamic Lifestyle with an Approach to the Holy Quran and Hadith* ", Proceedings of the 7th International Conference on Quranic Research 92, Tehran: Osweh Publications.
29. *Nahj al-Balaghah*, (2007), translated by Hossein Ansarian, Tehran: Payam Azadi.
30. Rezaei Esfahani, Mohammad Ali, (2011), Article: *Quran and Economics*, *Journal of Holy Quran Education*, Summer 2011, No. 11.
31. Document of fundamental transformation of education. (2011), Tehran: Secretariat of the Higher Education Council.